

استراتژی همگرایی با همسایگان؛ ۱. آسیای مرکزی

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۶۰۹

دفتر: مطالعات سیاسی

بهمن ماه ۱۳۸۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	استراتژی ایران در قبال کشورهای آسیای مرکزی
۲	۱. ایران و سه کشور غیرهمجوار در آسیای مرکزی
۲	۱-۱. ازبکستان
۶	۱-۲. قرقیزستان
۸	۱-۳. تاجیکستان
۱۱	۲. ایران و دو کشور همجوار در آسیای مرکزی
۱۱	۲-۱. قزاقستان
۱۴	۲-۲. ترکمنستان
۱۸	بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی
۱۸	۱. بسترها و عوامل همگرایی
۱۸	۱-۱. حوزه سیاسی
۱۹	۱-۲. حوزه امنیتی
۱۹	۱-۳. حوزه اقتصادی
۱۹	۱-۴. حوزه فرهنگی
۲۰	۲. عوامل و زمینه‌های واگرایی
۲۰	۲-۱. حوزه سیاسی
۲۶	۲-۲. حوزه امنیتی
۲۸	۲-۳. حوزه اقتصادی
۲۹	۲-۴. حوزه فرهنگی
۳۰	چشم‌انداز روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی
۳۰	آسیب‌شناسی سیاست خارجی استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی
۳۴	نتیجه‌گیری
۳۶	پی‌نوشت‌ها
۳۸	منابع و مأخذ



استراتژی همگرایی با همسایگان؛

۱. آسیای مرکزی^۱

چکیده

آسیای مرکزی از گذشته همواره منطقه مهمی در تعاملات ژئواستراتژیک قدرت‌های بزرگ بوده و پس از پایان جنگ سرد به‌ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آن افزوده شده است. براین اساس در یک دهه گذشته این منطقه صحنه رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه امنیت و انرژی بوده و جایگاه مهمی در سیاست‌های خارجی و امنیتی کشورهای منطقه کسب کرده است.

آسیای مرکزی به‌واسطه قرار گرفتن در حوزه تمدنی و فرهنگی ایران و نقش آن در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان، از اهمیت مضاعفی برخوردار بوده و استراتژی خاصی در قبال آن تدوین نشده است. با این وجود و به‌رغم فرصت‌های موجود در سیاست خارجی ایران در قبال آسیای مرکزی، همواره چالش‌هایی نیز فراروی سیاست خارجی بوده که با حضور و فعالیت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تشدید شده است، بنابراین بررسی آسیب‌شناسانه استراتژی ایران در این منطقه در راستای فرصت‌سازی و افزایش زمینه‌های حضور و فعالیت در این منطقه و کاهش چالش‌ها و تهدیدات موجود ضرورت دارد.

مقدمه

حلقه آسیای مرکزی متشکل از کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان به‌خاطر موقعیت جغرافیایی خاص آنها که در حصار از سه قدرت جهانی و منطقه‌ای همچون جمهوری خلق چین، جمهوری فدراتیو روسیه و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وجود جاده ابریشم و گذر آن از این منطقه که مسیر ارتباطی چین با دنیای متمدن زمان خود بوده است، از اهمیت استراتژیک این حوزه جغرافیایی یاد می‌کند و اکنون نیز تعامل میان سه قدرت یاد شده شرط اساسی حفظ ثبات و امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران در این خطه خواهد بود.

همچنین ایران علاوه بر دارا بودن مرزهای مشترک آبی و خاکی با بعضی از این کشورها،



پیوندها و علاقه‌های معنوی بسیاری با مردم آسیای مرکزی دارد. از جمله این پیوندها می‌توان به دین مشترک؛ میراث فرهنگی مشترک، زبان مشترک (فارسی) به‌عنوان زبان نیاکان در بخش‌هایی از منطقه و نیز تاریخ مشترک (با قدمتی چند هزار ساله) نام برد.

این پیوندها خود تا حدودی اهمیت منطقه را برای جمهوری اسلامی ایران روشن می‌سازد.^(۱) با پایان سلطه انحصاری روسیه بر آسیای مرکزی از یک سو و اهمیت عوامل ژئوپلیتیکی (محل تقاطع قدرت آسیایی)، ژئواستراتژیکی (استقرار در میان سه قدرت اتمی)، ژئواکونومیک (نفت و گاز حوزه خزر)، ژئوفرهنگی (در چارچوب نظریه‌های برخورد تمدن هانتینگتون) و گسترش حرکت‌های اسلامی موجب شد تا این منطقه در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد.^(۲)

با وجود ویژگی‌های فوق این پرسش اساسی مطرح می‌شود که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه با تحلیل منافع خود در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه و تا چه سطحی می‌تواند با کشورهای یاد شده، همسویی داشته باشد و حتی در مواقع حساس، همسویی راهبردی پیشه کند؟ آیا اساساً چنین امکانی قابل تصور است؟ زمینه‌ها و موانع این همسویی کدامند؟ و بالاخره اینکه ایران چگونه و تا چه اندازه‌ای می‌تواند به یک همسویی قابل اعتماد با کشورهای آسیای مرکزی امیدوار باشد.

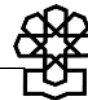
استراتژی ایران در قبال کشورهای آسیای مرکزی

کشورهای آسیای مرکزی از اهمیت ویژه‌ای در محورهای مختلف برای جمهوری اسلامی ایران برخوردارند. از این رو مرور مختصر موقعیت استراتژیک هریک از کشورهای آسیای مرکزی، می‌تواند ما را در جهت کسب هدف فوق یاری کند. از پنج کشور آسیای مرکزی فقط دو کشور ترکمنستان و قزاقستان با ایران مرز خاکی و آبی دارند و سه کشور دیگر که توضیح مختصری پیرامون آنها خواهیم داد، هیچ مرز مشترکی با ایران ندارند.

۱. ایران و سه کشور غیرهمجوار در آسیای مرکزی

۱-۱. ازبکستان

اهمیت استراتژیک ازبکستان در منطقه بدین جهت است که این کشور در قلب آسیای مرکزی بین دو رود آمودریا و سیردریا قرار گرفته و با تمام جمهوری‌های منطقه مرز مشترک دارد. همچنین از سوی جنوب با افغانستان هم‌مرز است. این کشور یکی از پهناورترین و پرجمعیت‌ترین جمهوری‌های این منطقه محسوب می‌شود و مردم آن با فرهنگ اسلامی پیوند دیرینه‌ای دارند. در



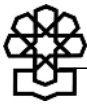
سال‌های اخیر این کشور شاهد ثبات و پیشرفت اقتصادی، بهبود وضعیت بهداشتی و افزایش رفاه عمومی بوده است. به عبارتی ازبکستان توانسته است بیش از سایر جمهوری‌ها خود را از یوغ میراث به‌جای مانده شوروی رها کند و روند رشد و توسعه را بپیماید. رفتار این کشور حاکی از تلاش برای هژمونی در منطقه است.^(۳) ازسوی دیگر ایران کشوری است که به‌دنبال ایفای نقشی مهم در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. این منطقه در طول تاریخ در حوزه تاریخی و فرهنگی ایران بوده و همین امر علاقه ایران را به تحرک در منطقه دوچندان می‌کند. بازار مصرف منطقه برای کالاهای ایرانی و ایفای نقش ارتباطی و مواصلاتی برای سرزمین‌های بسته جغرافیایی و نفوذ سیاسی در منطقه از دیگر دلایل اهمیت این منطقه برای ایران است، لذا ایران و ازبکستان هر یک به‌دنبال تلاش برای ایجاد هژمونی بر منطقه هستند. در این میان ازبکستان سیاست‌هایی را اتخاذ کرده و دنبال می‌کند که این رقابت را دامن می‌زند.

از آنجا که چهار کشور از پنج کشور آسیای مرکزی تُرک‌تبار هستند، این کشورها بیشتر به ترکیه نزدیک شده‌اند و در مدل حکومتی خود از مدل سکولار ترکیه سرمشق گرفته‌اند. تقسیم‌بندی‌های قومیتی تنش‌زایی که توسط شوروی در منطقه انجام شده شهرهای مهم تاریخی تاجیک‌ها یعنی سمرقند و بخارا را در قلمرو ازبکستان قرار داده است. پس از تشکیل این کشورها در سال ۱۹۹۱ آنها به‌دنبال هویت‌سازی برای خود برآمدند. همچنین حکومت ازبکستان به اقلیت پرجمعیت تاجیک خود حداقل حقوق شهروندی با هویت تاجیکی را نمی‌دهد. این سیاست ازبکستان باعث می‌شود که نفوذ فرهنگی ایران در منطقه به سهولت انجام نپذیرد.

بنابراین ترس از احیای فرهنگ فارسی و رشد حرکت اسلامی موجب اعمال فشار و محدودیت‌ها شده و با وقایع ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای به‌وجود آمد تا دولت وقت فشار خود را بر گروه‌های اسلامی دوچندان کند. ازسوی دیگر به بهانه مبارزه با تروریسم، در سه کشور ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان، پایگاه‌های نظامی آمریکا ایجاد شد. همچنین کنگره آمریکا به‌منظور مبارزه با اسلام‌گرایی به مبلغ ۱۶۰ میلیون دلار به ازبکستان کمک کرد. اغلب سردمداران طالبان و نیروهای القاعده در مناطق اطراف افغانستان از قبیل جنوب قرقیزستان و تاجیکستان پنهان شده‌اند که در برخی موارد از مرزهای افغانستان وارد ایران شده و کشور ما را در معرض اتهام قرار داده‌اند.^(۴)

اگرچه ازبکستان در همسایگی ایران قرار ندارد، اما دارای پیشینه تاریخی مشترکی با فرهنگ، سیاست و ادبیات ایرانی است.

برای عبور از بحران‌های سیاسی در روابط دو کشور، می‌توان الگوهای را سازماندهی کرد که منجر به توسعه روابط و کاهش اختلافات سیاسی شود. ضرورت‌های تعامل سازنده

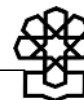


ایجاب می‌کند که ایران در روابط خود با ازبکستان بر شاخص‌های منطقه‌گرایی تأکید و روابط فرهنگی و اجتماعی را از طریق گسترش روابط اقتصادی سازماندهی کند، زیرا تاشکند رفته‌رفته در صدد برجسته کردن جایگاه خود در منطقه آسیای مرکزی است و این مهم به‌ویژه به‌دنبال آنکه اتحادیه اروپا که همه تحریم‌ها و از جمله تحریم صادرات اسلحه به این کشور را لغو کرد و آمریکا این کشور را متحد خود دانست، ملموس‌تر به‌نظر می‌رسد. ازسوی دیگر ژاپن نیز برنامه‌های گسترش همکاری اقتصادی با این کشور را به‌صورت علنی مطرح کرد. بدین‌سان با توجه به اینکه اتحادیه اروپا، آمریکا و ژاپن رویکرد جدیدی را در قبال تاشکند اتخاذ کرده‌اند، لذا می‌توان به این نتیجه رسید که کشورهای غرب طرح هماهنگ شده جدید خود را در قبال این کشور در مرحله اجرا دارند.^(۵)

این شرایط و ظهور دو مرکز نفوذ سیاسی در آسیای مرکزی (غرب و روسیه)، ممکن است یک نوع مکانیسم تعادل متقابل در این منطقه ایجاد شود، زیرا این شرایط از میزان نفوذ ایران در روندهای سیاسی همسایگان نزدیک (ترکمنستان و تاجیکستان) نیز کاسته خواهد شد. ازسوی دیگر ایران و ازبکستان روابط هموار و یکسانی نداشته‌اند، زیرا ازبکستان معتقد بود افزایش حضور ایران در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی، موجبات احیای مجدد فرهنگ تاجیکی را فراهم خواهد کرد. همچنین مقامات ازبکستان معتقد بودند که نفوذ ایران در این کشور تحولات گروه‌های اسلامی را تقویت خواهد کرد.^۱

ازسوی دیگر، مطابق آمار جدول ۱ طی سال‌های اخیر میزان واردات ازبکستان از ایران کاهش یافته و تراز بازرگانی ایران و ازبکستان منفی شده است. این بدان معناست که میزان واردات ایران از کشور مذکور بیش از صادرات ایران به آن کشور است. بنابراین لازم است تعاملات بیشتری با این کشور به‌منظور افزایش حجم صادرات به آن انجام شود. در جدول ۱ آمار مبادلات بازرگانی ازبکستان و ایران ارائه شده است.

۱. «حرکت اسلامی ازبکستان» طی سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۰ میلادی تلاش زیادی برای ورود به خاک ازبکستان از استان باتکن قرقیزستان کرد که منجر به درگیری با نظامیان قرقیزی شد و برای هر دو طرف تلفات زیادی همراه بود. پس از حمله نظامی آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی پایگاه‌های «حرکت اسلامی ازبکستان» در قلمرو این کشور نابود شدند. پس از این حرکت اسلامی ازبکستان به‌عنوان نیروی عمده مسلح مخالف دولت تاشکند در آسیای مرکزی جایگاه خویش را از دست داد، اما حرکت اسلامی ازبکستان به‌تدریج نیروهای خویش را به شمال غرب پاکستان منتقل کرد. به‌نظر می‌رسد که در این مناطق تعداد قابل ملاحظه‌ای از شهروندان کشورهای آسیای مرکزی که با رژیم‌های سیاسی حاکم در کشورهای خویش مخالف هستند، حضور دارند.



جدول ۱. روابط تجاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با کشور ازبکستان

(ارقام به میلیون دلار)

هشت ماهه	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال
سال	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	سال
۱۳۸۹													
صادرات	۴۴/۹	۶۶	۶۹/۳	۵۷/۸	۶۷/۷	۷۰/۱	۷۷	۷۲/۸	۶۹/۵	۸۲/۵	۸۱/۴	۴۹/۵	۵۴
واردات	۶۸/۲	۱۴۰/۸	۱۰۹/۹	۱۷۹	۱۸۳/۵	۱۳۳/۲	۱۵۷	۹۴/۶	۵۷/۲	۴۴/۰۷	۵۰/۲	۲۰	۲۸
تراز تجاری	-۲۳/۳	-۷۴/۸	-۴۰/۶	-۱۲۱/۲	-۱۱۵/۸	-۶۳/۱	-۸۰	-۲۱/۸	+۱۲/۳	+۳۸/۴۳	+۳۱/۲	+۲۹/۵	+۲۶

Source: <http://fa.tpo.ir/documents/document/-/111913/about-us.aspx>

ضرورت‌های تعامل سازنده ایجاب می‌کند که روابط دو کشور براساس «اهداف مشترک» سازماندهی شود. اگر توسعه روابط معطوف به بستریهای مشترک نباشد، در آن شرایط هیچ‌گونه مطلوبیتی حاصل نخواهد شد. بنابراین کنش سیاست خارجی ایران در برخورد با ازبکستان را باید براساس معادله معطوف به همکاری‌گرایی منطقه‌ای سازماندهی کرد. در این شرایط رفتار سیاست خارجی و کنش‌ها بیش از آنکه معطوف به ارزش‌های سیاسی دو کشور باشند، براساس ضرورت‌های استراتژیک و مطلوبیت‌های آینده‌نگر سازماندهی خواهد شد.

بنابراین ایران برای توسعه روابط خود نیازی به گسترش تضادها ندارد. همکاری‌گرایی بین ایران و ازبکستان ایجاب می‌کند تا روابط در قالب همکاری‌های هدف‌گرا سازماندهی شود. به هر میزان که اهداف سیاست خارجی کشورها به یکدیگر نزدیک شود، در آن شرایط می‌توان نشانه‌های گسترش روابط استراتژیک را نیز فراهم آورد. این امر از طریق سازماندهی روابط اقتصادی و توسعه همکاری‌ها شکل می‌گیرد. اگر ایران براساس مدل نخبه‌گرای منطقه‌ای با ازبکستان تعامل کند، در آن شرایط از امتیازات منطقه‌ای مناسب برای توسعه روابط برخوردار خواهد شد.

هرچند که دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه در برنامه پنجم نیز اشاره شده است. از این‌رو مهمترین مشکلات و موانع بر سر راه گسترش و بسط مناسبات تجاری و اقتصادی فی‌مابین سرمایه‌گذاران ایرانی در ازبکستان شامل مشکلات و دغدغه‌های آنان از چگونگی بازگشت سرمایه از مسیر قانونی، عدم شناخت کافی از فرهنگ و اقتصاد و درآمد مردم کشور هدف، عدم شناخت از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقتصادی طرفین، مشکل زبان و عدم تخصص و تجربه طرف ازبکی و آشنایی با مکانیسم‌های توسعه تجارت از جمله برخی از مشکلات سر راه تجار ایرانی است.

راهکارهای پیشنهادی درخصوص رفع موانع و ارتقای سطح مناسبات تجاری بین دو کشور لزوم تحقیق و بازاریابی و شناخت کافی و علمی از چگونگی وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور مقصد و نیز وضعیت بازار صنعت مورد نظر و شناخت رقبای داخلی و خارجی کشور



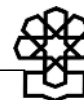
مقصد، میزان عرضه و تقاضای داخلی و خارجی، قیمت و کیفیت کالای رقیب، مقررات ورود و صدور کالاهای مشابه از کشورهای دیگر و مقایسه هزینه‌های مربوطه و برآورد آن مانند هزینه‌های گمرکی و مالیاتی.

از سوی دیگر پتانسیل‌های اقتصادی همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و ازبکستان، عبارتند از:

- ساخت سد و کانال‌های آبی،
- ساخت نیروگاه‌های آبی و حرارتی،
- احداث کارخانجات تراکتورسازی،
- احداث کارخانجات داروسازی،
- احداث کارخانجات قطعات خودرو،
- احداث کارخانه‌های مواد شوینده،
- احداث کارخانه‌های مصالح ساختمانی.

۱-۲. قرقیزستان

اهمیت استراتژیک قرقیزستان بدین خاطر است که حایل بین چین و تاجیکستان است و در همسایگی قزاقستان و ازبکستان قرار دارد. جنوب غربی قرقیزستان به دلیل پیوستگی با دره فرغانه (ازبکستان) و همگرایی‌های فرهنگی و دینی با آن همواره تحت تأثیر اندیشه‌های اسلام‌خواهی و بنیادگرایی مذهبی و فعالیت‌های جنبش اسلامی ازبکستان در منطقه باتکین و دره پانکیسی و نهضت اسلامی تاجیکستان بوده است. نکته قابل توجه این است که اسلام رادیکال تحت تأثیر نیروهای القاعده در منطقه نفوذ کرده از طرفی جامعه و حوزه ساختاری قرقیزستان همانند برخی دیگر از کشورهای آسیای مرکزی از عقب‌افتادگی مشهودی برخوردار است. ساختار اقتصادی قرقیزستان مبتنی بر تولید کشاورزی است. از سوی دیگر، در تولید کالاهای کشاورزی از روش‌های برنامه‌ریزی شده، ابزارهای صنعتی و مدیریت سازمان یافته استفاده نمی‌شود. به‌طور کلی باید قرقیزستان و تاجیکستان را به‌عنوان عقب‌افتاده‌ترین ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در آسیای مرکزی دانست.^(۶) زمانی که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجام پذیرفت، بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی از جمله قرقیزستان فاقد هویت و ساختارهای سازمان یافته برای اداره امور داخلی خود بودند. در اوایل استقلال قرقیزستان مشکلات جدیدی نیز برای جامعه قرقیزستان به‌وجود آمد. می‌توان نشانه‌هایی از کاهش تولید ناخالص داخلی و همچنین کاهش درآمد سرانه را مشاهده کرد. این امر ناشی از تغییر ساختار برنامه‌ریزی شده، مهاجرت شهروندان روس و کاهش انگیزه مناسب برای تولید اقتصادی است. در این روند، کشور ترکیه تلاش کرد تا نقش مؤثرتری را در حوزه



معادله سیاست و قدرت در قرقیزستان ایفا کند.^(۷)

ضعف ساختاری در کشورهای آسیای مرکزی و عدم برنامه‌ریزی مؤثر جهت رشد اقتصادی کشورهای این منطقه، زمینه‌های حداکثرسازی روابط ایجاد نشده است. این امر منجر به ظهور روابط نامتعادل و ناپایدار در سیاست داخلی و همچنین سیاست خارجی قرقیزستان شده است. تعامل سازنده ایران با قرقیزستان دارای ماهیت اقتصادی است. گسترش همکاری‌های تجاری، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و افزایش ظرفیت اقتصادی قرقیزستان منجر به ایجاد شرایطی می‌شود که به‌موجب آن جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به حداکثر مطلوبیت‌های استراتژیک مورد نظر خود نائل شود. این امر بنیان‌های لازم برای توسعه روابط و تأثیرگذاری مرحله‌ای را فراهم می‌سازد.

در جدول ۲ میزان صادرات و واردات ایران با کشور قرقیزستان نشان داده شده است. مطابق آمار ارائه شده تراز بازرگانی ایران با کشور قرقیزستان مثبت است که البته با نوساناتی همراه است. به‌عبارت دیگر آمار جدول ۲ حاکی از آن است که دستاوردهای مطلوبی براساس روابط اقتصادی میان دو کشور طی سال‌های اخیر حاصل شده است.

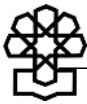
جدول ۲. روابط تجاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با کشور قرقیزستان

(ارقام به میلیون دلار)

هشت‌ماهه	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال
سال	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	سال
صادرات	۲۴/۱	۴۵/۹	۴۵/۴	۴۷	۴۶/۴	۳۱/۵	۳۴	۳۰	۲۲/۶	۱۶/۸	۲۰/۳	۱۸/۱	۱۲/۲	۲۱
واردات	۹	۱۸/۱	۱۳	۱۹/۳	۱۶/۳	۶/۷	۴/۶	۷/۶	۸/۷	۱۱/۶	۲۰/۹	۱۱	۱۴/۳	۱۳/۱
تراز تجاری	+۱۵/۱	+۲۷/۸	+۳۲/۴	+۲۷/۷	+۳۰/۱	+۲۴/۸	+۲۹/۴	+۲۲/۴	+۱۳/۹	+۵/۲	-۰/۶	+۷/۱	-۲/۱	+۷/۹

Source: Ibid.

برای نیل به نتایج مطلوب در روابط با قرقیزستان باید اولویت سیاسی نیز در دستور کار قرار گیرد. از آنجا که دولت‌سازی و جامعه‌سازی در قرقیزستان مخاطرات قابل توجهی را در کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند، از این رو ضرورت‌های تعامل سازنده ایجاب می‌کند که روابط ایران با نخبگان قرقیزستان اعم از نخبگان حکومتی و اجتماعی افزایش یابد. بهینه‌سازی روابط با نخبگان را می‌توان به‌عنوان بستری برای حداکثرسازی روابط استراتژیک با قرقیزستان دانست. بنابراین می‌توان شرایط رفتار سیاسی را به‌گونه‌ای سازماندهی کرد که براساس آن زمینه‌های همکاری طولانی‌مدت از طریق فرآیندهای اعتمادسازی ایجاد شود.



در شرایط موجود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برخورد با حوزه قرقیزستان نیازمند «اعتمادسازی استراتژیک» می‌باشد. این امر به مفهوم همکاری‌گرایی در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی و فرهنگی است. در صورتی‌که چنین روندی آغاز شود، می‌توان روندهای مؤثرتری را در حوزه‌های همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی سازماندهی کرد. ضرورت‌های تعامل سازنده با قرقیزستان را می‌توان در قالب گسترش همکاری‌های چندجانبه مورد ملاحظه قرار داد. زیرا براساس تعامل سازنده می‌توان به حداکثرسازی روابط و همکاری‌ها نائل شد. این امر را می‌توان به‌عنوان زمینه‌ای برای سایر الگوهای رفتار استراتژیک قرقیزستان تلقی کرد.

۱-۳. تاجیکستان

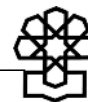
داشتن مرز مشترک با چین و افغانستان و نزدیکی تاجیکستان به پاکستان و هندوستان، این جمهوری را به‌صورت دروازه آسیای مرکزی به این کشورها قرار داده است. تاجیکستان تنها کشور فارسی زبان در قلمرو پسا شوروی محسوب می‌شود. ایران نخستین کشوری بود که پس از فروپاشی شوروی و استقلال تاجیکستان آن را به رسمیت شناخت و در ماه ژانویه سال ۱۹۹۲ میلادی نیز سفارت خود را در تاجیکستان افتتاح کرد.^(۸) هر دو کشور ایران و تاجیکستان از زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک برخوردار هستند. این درحالی است که کشورهای این حوزه به‌واسطه اشتراکات متعدد فرهنگی و دینی اشتراکات زبانی (تاجیکستان) می‌یابد عقبه استراتژیک ایران تلقی می‌شدند، اما رویکرد سیاست خارجی نتوانسته است به‌واسطه وجود این پتانسیل عظیم کلان در این کشورها نفوذ داشته باشد. یکی از زمینه‌های مهمی که ایران می‌تواند فرصت مناسبی برای ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی خصوصاً کشور تاجیکستان مورد توجه مسئولان جمهوری اسلامی ایران قرار دهد همکاری اقتصادی و تجاری است.^(۹) اطلاعات جدول ۳ نیز مؤید همین نکته است.

جدول ۳. روابط تجاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با جمهوری تاجیکستان

(ارقام به میلیون دلار)

هشت‌ماهه	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال
سال	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	سال
۱۳۸۹														
صادرات	۱۱۷/۳	۱۶۳/۵	۱۸۶/۹	۱۶۸/۸	۱۲۷/۱	۱۰۹/۷	۷۲/۱۱	۷۷	۶۱	۳۹/۱	۳۲/۷	۲۲	۲۵/۸	۲۸/۹
واردات	۲۱/۱	۴۹/۷	۳۹/۴	۲۴/۷	۸/۳۴	۶	۴/۰۶	۱۳	۸/۲	۰/۹۷	۱/۹	۲/۱	۴	۳/۳
تراز تجاری	+۹۶/۲	+۱۱۳/۸	+۱۴۷/۵	+۱۴۴/۱	+۱۰۷/۸۷	+۱۰۲/۷	+۶۸/۰۵	+۶۴	+۵۲/۸	+۳۸/۱	+۳۰/۸	+۱۹/۹	+۲۱/۸	+۲۵/۶

Source: Ibid.



همان‌طور که از آمار جدول ۳ مشخص است میزان صادرات ایران به تاجیکستان در طی سال‌های ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۳ بیش از دو برابر شده است، این روند افزایشی در سال ۱۳۸۷ نیز ادامه داشته است، اما در سال ۱۳۸۸ احتمالاً به دلیل شرایط رکودی حاکم بر اقتصاد بین‌المللی اندکی تراز تجاری نسبت به سال قبل کاهش داشته است که باید برای افزایش این رقم تلاش شود. در حال حاضر وضعیت اقتصادی تاجیکستان و تبعات آن تبدیل به مهمترین دغدغه فکری سیاستگذاران کشور تاجیکستان شده است. ایران، تاجیکستان را به‌عنوان مرکز مبادلات تجاری، علمی و فرهنگی خویش در آسیای مرکزی می‌داند و همان‌طور که اشاره شد تلاش می‌کند حجم مبادلات تجاری و بازرگانی خود با این کشور را افزایش دهد، اما این مسائل به معنای سطح مطلوب روابط نیست، در واقع علیرغم آنکه تاجیکستان به صحنه رقابت اقتصادی و سیاسی چین، روسیه و آمریکا بدل شده است هرچند که امروزه جمهوری اسلامی ایران دومین کشور سرمایه‌گذار در اقتصاد تاجیکستان پس از چین است. علاوه بر این ایران هم‌اکنون در حال ساخت «نیروگاه برق آبی سنگ توده ۲۰» تکمیل «تونل استقلال»، ساخت راه زمینی و راه‌آهن برای تأمین راه ارتباط حمل‌ونقل تاجیکستان، افغانستان و ایران و ساخت خط فشار قوی انتقال برق راغون از طریق مزار شریف و هرات در افغانستان به مشهد بوده و آمادگی خود را برای احداث «نیروگاه برق آبی آسیای مرکزی راغون» اعلام کرده است.

توانایی ایران در توسعه میدین نفت و گاز و همکاری در بخش پایین‌دستی، همکاری نفت در چارچوب سازمان اکو، حمل‌ونقل دریایی، تولیدات مشترک، ایجاد تأسیسات زیربنایی مشترک نفت و گاز، معامله نفت خام و فرآورده‌های آن می‌تواند در کمک به تاجیکستان مؤثر باشد. ایران همچنین می‌تواند تخصص و تجربه خود را در زمینه ساخت کارخانه‌های سیمان، نیروگاه برق، نساجی، ماشین‌سازی، مخابرات و... در اختیار تاجیکستان قرار دهد. ایران از طریق سازمان اکو می‌تواند امکانات بالقوه‌ای در اختیار کشورهای آسیای مرکزی قرار دهد که به نوبه خود وابستگی اقتصادی آنان را به همسایه بزرگ شمالی کاهش خواهد داد.

در عین حال ایران می‌تواند مسیرهای تجاری بسیار سودمندی را به‌سوی آب‌های گرم در اختیار جمهوری‌های جدید قرار داده و یک برتری دیپلماتیک را در برابر فدراسیون روسیه به نمایش بگذارد. ایران در کنار فعالیت‌های اقتصادی، نشست‌های علمی در مورد زبان فارسی برگزار کرده و از محل کمک‌های ایران «بنیاد زبان فارسی» و کتابخانه‌های «رودکی» و «امیرکبیر» در تاجیکستان تأسیس شده‌اند. از سوی دیگر ایران و تاجیکستان برای تحکیم همکاری‌های خود برای ایجاد اتحاد میان کشورهای فارسی زبان که شامل افغانستان نیز می‌شود تلاش می‌کنند.



بدون شک ابزار فرهنگ در روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی در کل و کشور تاجیکستان به طور اخص از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بهترین زمینه و مقدمه برای گسترش روابط سیاسی، اقتصادی با کشورهای این منطقه زمینه‌های فرهنگی است.

به علت وجود اشتراکات فرهنگی و تمدنی زیاد بین دو کشور ایران و تاجیکستان نوع اقدامات فرهنگی ایران در تاجیکستان هم می‌تواند متنوع‌تر از سایر کشورها باشد. برخی از زمینه‌های فعالیت فرهنگی ایران عبارت است از:

۱. تلاش برای آموزش خط فارسی و فراگیر کردن آن در کشور تاجیکستان، زبان و تمدن تاجیک ایرانی است. تاریخ، هنر، ادبیات و فرهنگ این کشور با ایران پیوند عمیق دارد. تلاش برای گسترش خط و زبان فارسی به طور تدریجی می‌تواند مهمترین و کلیدی‌ترین عنصر موفقیت ایران در عرصه فعالیت فرهنگی تاجیکستان محسوب شود.

۲. تأسیس مدارس و آموزشگاه ایرانی در مقاطع مختلف و تأسیس شعبه‌هایی از دانشگاه آزاد یا دولتی ایران.

۳. تبادل استاد و دانشجو و افزایش بورس‌های تحصیلی: بورس‌های تحصیلی دانشگاه‌های ایران برای دانشجویان تاجیک بسیار کمتر از ظرفیت‌های موجود است. در عین حال ایران تاکنون نسبت به اعطای این بورس‌ها بسیار گزینشی عمل کرده تا جایی که موجب دلسردی دانشجویان تاجیکی شده و حتی گاهی دولت تاجیکستان عملاً از اعزام دانشجویان به ایران خودداری کرده است.

۴. برگزاری نمایشگاه‌های مشترک از فرهنگ و تمدن ایرانی.

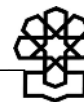
۵. اجرای طرح‌های مشترک هنری، تشکیل انجمن‌های ادبی.

۶. تأسیس خانه فرهنگ ایرانی.

۷. اجرای مسابقه فرهنگی تحت عنوان ایران‌شناسی.

۸. فعالیت گروه دوستی بین پارلمان‌های ایران و تاجیکستان، (زیرا فعالیت گروه دوستی بین دو کشور هم‌زبان گام مهمی در گسترش روابط پارلمانی ایران و تاجیکستان است).

به طور کلی می‌توان گفت مهمترین متغیر عمده در روابط ایران و تاجیکستان موضوع فرهنگ است. تاریخ، سنت‌ها و موارث مشترک نشان می‌دهد که ایرانیان و تاجیکستان از یک ریشه هستند.^(۱۰) در واقع عظمت فرهنگ فارسی و اهمیت احیای آن آنقدر زیاد بوده است که دولتمردان تاجیک برای پاسخگویی به خواسته‌های مردم بعضی اقدامات از جمله رسمی شدن زبان فارسی و احیای فرهنگ ملی را جدی بگیرند و به طور طبیعی در مقوله فرهنگ، ارتباط با



کشورهای فارسی زبان از جمله ایران و افغانستان توجه شود. یا تشکیل اتحادیه کشورهای پارسی زبان و یا ایجاد اتحادیه‌ای متشکل از ایران، تاجیکستان و افغانستان در مرحله نخست و ایجاد نهادهای مشترک اقتصادی و نظامی با این کشورها نیز از استراتژی‌های ما می‌باشد. همچنین استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی اگو و تبدیل آن به یک سازمان که در جغرافیای ایران بزرگ همچون اتحادیه‌ای پیونددهنده عمل می‌کند همچنین تقویت رسانه‌ها در گسترش روابط دو کشور ایران و تاجیکستان - افتتاح نمایندگی خبرگزاری فارس، ایرنا - مؤثر خواهد بود.

۲. ایران و دو کشور همجوار در آسیای مرکزی

۲-۱. قزاقستان

قزاقستان پس از روسیه، وسیع‌ترین کشور آسیای مرکزی در میان کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی است.^(۱۱) این کشور به واسطه موقعیت استراتژیک آن در همسایگی چین و روسیه از اهمیت بسیاری برخوردار است. این مسئله سبب شده که روسیه آن را جدای از سایر کشورهای منطقه آسیای مرکزی قلمداد کند، در واقع روسیه به دلیل اهمیت ویژه این کشور همواره نگران تغییر توازن قوا در آسیای مرکزی و افزایش پتانسیل قدرت در این منطقه بوده که خطری جدی برای روسیه به دنبال دارد. با این وجود واقعیات تاریخی، قومی و فرهنگی بالاخص در جنوب این کشور این جدایی را تأیید نمی‌کند و شباهت عناصر فرهنگی میان این کشور به فرهنگ ایرانی، انسجام تمدنی آسیای مرکزی و ایران را نشان می‌دهد.

علاوه بر این در بعد اقتصادی حوزه‌های بالقوه‌ای را برای توسعه مناسبات دوجانبه میان

دو کشور به ترتیب زیر می‌توان شناسایی کرد:^(۱۲)

۱. ترانزیت (این حوزه بسیار مورد علاقه طرف قزاقی است و مباحث مربوط به ترانزیت را با علاقمندی پیگیری می‌کند).

۲. همکاری‌های تجاری و بازرگانی به منظور برقراری موازنه تجاری.

۳. گسترش همکاری‌های اقتصادی در قالب سازمان همکاری‌های اقتصادی.

در این ارتباط لازم است پروژه‌های تعریف شده مشترک میان این دو کشور با جدیت بیشتری پیگیری و به سرانجام برسد. توجه به مرزهای آبی میان ایران و قزاقستان در ساحل خزر نیز حائز اهمیت است. با توجه به امکان مبادلات گسترده اقتصادی در حوزه انرژی و انتقال انرژی و همچنین امکان همکاری گسترده در زمینه ترانزیت و حمل و نقل، طبیعتاً جمهوری‌های این منطقه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اهمیت بسیاری دارند و نظر به اینکه قزاقستان قوی‌ترین اقتصاد در



آسیای مرکزی است و در مجموعه شوروی نیز سومین اقتصاد بعد از روسیه و اوکراین بود، ظرفیت بالایی را در همکاری گسترده با ایران ایجاد می‌کند.

در حوزه کشورهای حاشیه دریای خزر، سازمان اکو و در سازمان شانگهای میان ایران و قزاقستان همکاری‌ها در سطح دوجانبه و منطقه‌ای وجود دارد و با توجه به اینکه قزاقستان روزبه‌روز سیاست مستقل‌تری را در پیش می‌گیرد و همچنین تلاش می‌کند که جایگاه مناسبی را برای خود در عرصه بین‌المللی ایجاد کند، دو کشور می‌توانند روابطی را در عرصه بین‌المللی تعریف کنند.

در جدول ۴ میزان صادرات و واردات و تراز تجاری کشور با جمهوری قزاقستان نشان داده شده است. براساس آمار جدول ۴ طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸ هم صادرات و هم واردات ایران با جمهوری قزاقستان کاهش یافته است.

جدول ۴. روابط تجاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با جمهوری قزاقستان

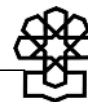
(ارقام به میلیون دلار)

هشت ماهه	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال
سال	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	سال
۱۳۸۹														
صادرات	۴۳/۹	۵۷/۸	۶۹/۳	۷۸	۷۲/۶	۵۶/۸	۶۵	۴۸	۵۰/۸	۳۴	۳۳	۲۴/۱	۲۹/۵	۳۳
واردات	۹۷/۶	۲۲۲/۷	۲۹۵/۴	۳۴۲	۲۸۰/۵	۲۵۵/۲	۲۳۰	۲۸۵	۲۶۲	۲۷۰	۳۴۵	۱۳۱/۶	۸۷/۹	۱۰۰
تراز تجاری	-۵۳/۷	-۱۶۴/۹	-۲۲۶/۱	-۲۶۴	-۲۰۷/۹	-۱۹۸/۴	-۱۶۵	-۲۳۷	-۲۱۱/۲	-۲۳۶	-۳۱۲	-۱۰۷/۵	-۵۸/۴	-۶۷

Source: Ibid.

ازسویی سهم صادرات ایران به قزاقستان نسبت به صادرات جهان به قزاقستان نیز عدد اندکی است (برای مثال رقم مذکور در سال ۲۰۰۷ میلادی حدود ۰/۰۰۱ بوده است). این رقم حاکی از این است که کشور قزاقستان پتانسیل بسیار مناسبی برای صادرات بیشتر کالا به این کشور است. لازم است برنامه‌ریزی مناسبی برای افزایش حجم مبادلات با این کشور مد نظر قرار گیرد.

علاوه بر توسعه روابط تجاری، ایران و قزاقستان در زمینه ایجاد راه‌آهن که از آسیای مرکزی عبور می‌کند و ایران را به روسیه متصل می‌کند نیز همکاری دارند. این خط آهن باعث افزایش حجم مبادلات تجاری دو کشور و نیز صادرات کالاهای ایران به بازار چین و روسیه می‌شود. ایران همچنین مسیر مناسبی برای صادرات کالاها و محصولات قزاقستان از جمله گندم به کشورهای حاشیه خلیج فارس است، زیرا این کشور به آب‌های آزاد دسترسی ندارد. با در نظر گرفتن نگاهی به اهمیت موقعیت ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان امکان



دسترسی به آب‌های آزاد از اهداف استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است و موقعیت ممتاز جمهوری اسلامی ایران در حد فاصل دو قاره آسیا و اروپا نقطه امیدی برای تحقق این اهداف محسوب می‌شود.^(۱۳) اما واقعیت این است که سیاستگذاری در حوزه آسیای مرکزی در کشور قابل انتقاد نیز است، آسیای مرکزی از جمله قزاقستان با توجه به اینکه محل فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی برای کشور ما هستند باید به کارآمدی و نتیجه‌بخشی در رفت‌وآمدهای طرفین نیز توجه شود.

از سوی دیگر قزاقستان می‌خواهد، خط لوله نفتی «قزاقستان، ترکمنستان و ایران» که نفت قزاقستان و ترکمنستان را به خلیج فارس منتقل می‌کند ساخته شود، زیرا با ساخت این خط لوله قزاقستان به بازارهای آسیایی دسترسی پیدا می‌کند.

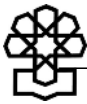
قزاقستان در رابطه با انتقال انرژی نیز دارای جایگاه بسیار برجسته‌ای است، هم در انتقال انرژی خود که از طریق ایران به صورت سوآپ انجام می‌شود، یعنی نفت قزاقستان در خزر تحویل گرفته و در خلیج فارس برابر آن تحویل مشتری می‌شود و نفت آن از طریق خط لوله باکو-جبهان به اروپا ارسال می‌شود، علاوه بر این مسائل، قزاقستان یک نقش واسطه‌ای دارد یعنی بخشی از انرژی ترکمنستان از طریق خاک قزاقستان به روسیه منتقل می‌شود.^(۱۴)

همکاری در زمینه انرژی شامل سوآپ و انتقال نفت تولیدی قزاقستان از خاک ایران.

۴. همکاری شرکت‌های ایرانی برای ساخت و ساز در شهرهای آتیرائو، آلماتی، آستانه و آکتائو از محورهای مهم در روابط اقتصادی دو کشور تلقی می‌شود. موضوع راهسازی نیز جزء همکاری‌های فیما بین مطرح است که تاکنون قریب به صدها کیلومتر جاده آسفالت توسط شرکت دنا ره‌ساز در قزاقستان ساخته شده و پروژه‌های دیگری مانند پروژه ۹۰۰ کیلومتری آلماتی به آتیرائو مورد علاقه شرکت‌های ایرانی است.

۵. فعال‌سازی حوزه‌های همکاری امنیتی: مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران و قزاقستان طی سال‌های اخیر علیرغم استمرار و اختلاف نظر موجود در خصوص دریای خزر توسعه فراوان یافته است. این مسئله در نتیجه پیگیری سیاست اعتمادسازی ایران، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و پیگیری سیاست جلوگیری از تأثیرگذاری موضوعات مربوطه به دریای خزر بر روابط دوجانبه بوده است. شاخص‌های متعارف در ارزیابی مناسبات سیاسی از جمله تعداد و سطح هیئت‌های متبادله موافقتنامه‌ها و اسناد دوجانبه منعقد و موضع‌گیری و لحن مطبوعات و مقامات دو کشور در خصوص یکدیگر حکایت از مناسبات دوستانه میان دو کشور دارد.

این کشور دارای سلاح‌های اتمی بود که بعد از فروپاشی شوروی با نظارت سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ این سلاح‌ها جمع‌آوری شدند. همچنین ایستگاه فضایی بایکانور نیز در



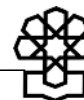
- قزاقستان مستقر است. این کشور در حال حاضر برابر با ایران و روسیه در خزر ساحل دارد.
- در نهایت می‌توان گفت تهدیدهایی که از جانب قزاقستان ایران را تهدید می‌کند عبارتند از:
- وجود قراردادهای تجاری قزاقستان با کشورهای عضو CIS، اوراسیا و شانگهای،
 - موافقتنامه تجارت آزاد و ترجیحی با سایر کشورها،
 - قرارداد کامل‌الوداد از جمله با چین، ترکیه و ...،
 - حضور قوی شرکت‌های اروپایی در بخش سرمایه‌گذاری، تولید کالا، خدمات فنی و مهندسی و ...،
 - حضور شرکت‌های مشترک قوی اروپایی و قزاقی جهت تولید با فناوری جدید.

۲-۲. ترکمنستان

در گذشته ترکمنستان بخشی از خاک ایران بوده است. به این دلیل، نوعی ارتباط درونی به خصوص به لحاظ فرهنگی میان دو کشور وجود دارد. برای ترکمنستان، ایران کشوری با خصوصیات ویژه است و برای ایران، ترکمنستان محیط مناسبی جهت نفوذ در آسیای مرکزی برای کسب اهداف سیاسی - اقتصادی و امنیتی قلمداد می‌شود. به این جهت، ثبات و امنیت در منطقه یک اصل اساسی برای هر دو طرف است. ایران به دلایل زیر، ترکمنستان و بهره‌مندی از روابط با آن را، یک اصل اساسی در منافع ملی و سیاست خارجی خود می‌داند.

جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان بیش از ۱ هزار و ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک آبی و زمینی داشته و حائز اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی و سیاسی هستند. براساس سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حُسن همجواری با همسایگان و استراتژی اتکا بر همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان عامل تضمین‌کننده امنیت و ثبات منطقه، این اهمیت را با گرایش مثبتی در مسیر همکاری و حُسن تفاهم بین دو کشور مورد توجه قرار گرفته است. ارتباط نزدیک سران دو کشور، موجب شد، جمهوری اسلامی ایران با جمهوری ترکمنستان نسبت به سایر کشورهای آسیای مرکزی روابط نزدیک‌تری برقرار کند، بنابراین تداوم و گسترش همکاری‌ها ضروری است. تهران و عشق‌آباد تاکنون در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع مشترکی داشته‌اند و نزدیکی سیاست‌های دو کشور در تأمین صلح و ثبات منطقه نقش مهمی دارد. جمهوری اسلامی ایران از نخستین کشورهایی بود که از این سیاست حمایت کرده و آن را در تأمین امنیت و صلح و ثبات منطقه مؤثر می‌داند.

گرچه روابط رسمی میان دو کشور سابقه زیادی ندارد، اما عمق ارتباطات میان ملت‌هایمان به صدها و هزاران سال گذشته برمی‌گردد. به‌گونه‌ای که همواره در زمینه اعتقادات و فرهنگ، نزدیکی فراوانی داشته‌ایم. می‌توان اجرای طرح‌های بزرگ نظیر سد دوستی، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و



هنری و همچنین تشکیل همایش شخصیت‌های علمی و فرهنگی مشترک را از شاخص‌ترین روابط بین دو کشور در طول سال‌های گذشته عنوان کرد. روابط نزدیک ایران و ترکمنستان که در دوران ریاست‌جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و مرحوم صفرمراد نیازاف پایه‌گذاری شد، هم‌اکنون روند رو به رشدی دارد و مرزهای دو کشور نیز مرزهای دوستی تعیین شده است. اراده قوی رؤسای جمهور دو کشور برای بسط و توسعه مناسبات چنان جدی بود که در سال‌های اولیه استقلال ترکمنستان، با اعلان مرزهای دو کشور به‌عنوان مرزهای دوستی و برادری، امکان برقراری روابط اجتماعی، تجاری و فرهنگی را فراهم و با انعقاد قراردادهای مختلف اقتصادی، زمینه سرمایه‌گذاری مشترک، تجارت و بازرگانی در اولین سال‌های استقلال ترکمنستان مهیا شد به‌طوری که گرایش به سمت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای دوجانبه، امضای بیش از ۱۷۰ موافقتنامه دولتی در سطوح بیانیگر وجود این روابط دوستانه است.

واقعیت امر این است که ایران و ترکمنستان از موقعیتی بسیار مساعد برای ارتقای روابط خود به بالاترین سطوح برخوردارند و همکاری میان دو طرف می‌تواند منافع ملی و منطقه‌ای زیادی را دربر داشته باشد. با این وجود، این منافع زمانی می‌تواند منافع ملی و منطقه‌ای زیادی را دربر داشته باشد و به شکوفایی برسد که همکاری متقابل آنان، دو کشور و منطقه را از ثمرات همگرایی بهره‌مند کند و با بسط مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همراه باشد. ازسوی دیگر ترکمنستان به‌عنوان جنوبی‌ترین جمهوری آسیای مرکزی، نه تنها می‌تواند از طریق ایران به‌عنوان مکانی نزدیک و باثبات به‌راحتی به خلیج فارس و اقیانوس هند راه یابد، بلکه به‌عنوان راهی برای سایر کشورهای آسیای مرکزی برای خروج از حصار خشکی و دستیابی به آب‌های آزاد جهان، تلقی شود. در این مسیر امکانات حمل‌ونقل جاده‌ای و به‌ویژه ریلی ایران اهمیت راهبردی در منطقه پیدا می‌کند و با همین ایده بود که بهره‌برداری از راه‌آهن «تجن - سرخس - مشهد» آغاز شد. وجود چهار نقطه مواصلاتی جاده‌ای بین ایران و ترکمنستان و به‌تبع آن سایر کشورهای آسیای مرکزی از دیگر مزیت‌های قابل توجه است. نگاهی اجمالی به شاخص‌های همکاری اقتصادی دو کشور ازجمله خط انتقال برق «بالکان‌آباد»، «علی‌آباد» خطوط لوله گاز «گرچه و کردکوی»، راه‌آهن «تجن - سرخس - مشهد و سد دوستی» و خط لوله جدید انتقال گاز ترکمنستان به ایران، نشان‌دهنده پیوند منافع اقتصادی دو کشور است. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۸ درصد از محصولات صادراتی ترکمنستان را جذب کرد. در جدول ۵ میزان صادرات و واردات کشور ایران با ترکمنستان نشان داده شده است.



جدول ۵. روابط تجاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکمنستان

(ارقام به میلیون دلار)

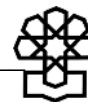
هشت ماهه سال ۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	سال
صادرات	۲۵۹/۱	۳۵۷/۸	۲۴۸/۸	۱۷۶/۱	۱۲۸/۵	۱۴۱/۴	۹۴/۲	۱۳۶	۸۹	۷۵/۵	۸۷	۱۲۲/۴	۹۶	۱۴۶
واردات	۱۱۷/۸	۴۰۳/۷	۳۶۸	۲۶۰	۱۸۰/۵	۱۵۳	۱۶۸/۷	۵۳	۱۹	۱۵/۹	۱۰/۱	۱۴	۴/۷	۵/۵
تراز تجاری	۱۴۱/۳	-۴۵/۹	-۱۱۹/۲	-۸۳/۹	-۵۲	-۱۱/۶	-۷۴/۵	+۸۳	+۷۰	+۵۹/۶	+۷۷/۹	+۱۰۸	+۹۱/۳	+۱۴۰/۵

Source: Ibid.

مطابق آمار جدول ۵ طی سال‌های اخیر میزان صادرات ایران به کشور ترکمنستان با رشد بیشتری نسبت به واردات از ترکمنستان صورت گرفته است. ادامه این روند می‌تواند تراز منفی ایران با کشور ترکمنستان در سال‌های گذشته را مجدداً به تراز مثبت تبدیل کند.^۱ در سال ۱۹۹۳ ترکمنستان یک گام دیگر به ایران نزدیک شد و خط آهن عشق‌آباد از طریق سرخس به شبکه راه‌آهن ایران متصل شد. در دسامبر ۱۹۹۷ نخستین خط لوله نفت بین ایران و ترکمنستان افتتاح شد. صادرات گاز ترکمنستان به ایران از طریق خط لوله ۲۰۰ کیلومتری موسوم به کرپچه-کردکوی که در سال ۱۳۷۶ خورشیدی به بهره‌برداری رسید، انجام می‌شود. خط لوله گاز کرپچه - کردکوی با هزینه ۱۹۵ میلیون دلار توسط شرکت طراحی و ساختمان نفت ایران ساخته شده است. هم‌اکنون در میدان گازی کرپچه بیش از ۱۰۰ حلقه چاه گاز و نفت درحال بهره‌برداری است و درحال حاضر ترکمنستان روزانه ۲۵ میلیون مترمکعب گاز به ایران صادر می‌کند که این میزان در زمستان (۲۰۰۸) به ۲۷ تا ۳۰ میلیون مترمکعب گاز افزایش یافت. به هر روی درحال حاضر ترکمنستان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی در آسیای مرکزی محسوب می‌شود که با گزینه‌ها و طرح‌های مختلفی جهت انتقال گاز خود مواجه شده است.

ایران همواره ترکمنستان را به‌عنوان بازاری استراتژیک برای عرضه محصولات اقتصادی در نظر گرفته است. این درحالی است که ایران با توجه به نزدیکی جغرافیایی و تناسب بازار خرید ترکمنستان روزانه ۱۴ تا ۲۵ میلیون مترمکعب گاز به ایران صادر می‌کند. ایران از این طریق می‌تواند نیازهای مناطق شمالی و شرقی خود به گاز طبیعی را تأمین کند. بسیاری از صاحبانظران معتقدند ایران می‌تواند از راه کنترل بازار مصرف داخلی، افزایش تولید و ایجاد ظرفیت‌های صادرات گاز، در بازارهای جهانی با ترکمنستان از در رقابت نیز داخل شود. با افزایش علاقه چین به خرید گاز از ترکمنستان، ایران نگران کاهش دریافت گازی است که قرار است از ترکمنستان دریافت کند. برای ایران حوزه آسیای مرکزی در نزدیکی روسیه، چین و اروپا دارای قابلیت‌های سرشار

۱. در مورد هشت‌ماهه سال ۱۳۸۹، با توجه به اینکه رقم مذکور سالیانه نیست، امکان مقایسه با سال‌های قبل از آن وجود ندارد.

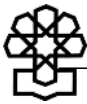


اقتصادی، استراتژیکی، تجاری و بازرگانی و البته سیاسی و دیپلماتیک است و برنامه‌ریزی برای استفاده مطلوب براساس منافع ملی از این قابلیت‌ها به توسعه نفوذ ایران در منطقه و تسهیل روابط تهران با کشورهای فرامنطقه‌ای یاری می‌رساند، زیرا کشورهای آسیای مرکزی هر یک به تناسبی با آمریکا و اروپا و دو قدرت منطقه‌ای چین و روسیه روابط گسترده‌ای دارند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که توسعه روابط اقتصادی در ابعاد گوناگون از محورهای اصلی روابط تهران و عشق‌آباد است. این روابط در بعد کشاورزی، صنعتی، علمی و فنی بوده که در شرایط کنونی به‌واسطه توسعه ایران در این امور می‌تواند ارتقای بیشتری داشته باشد. انتقال برق ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه، احداث سد دوستی در دوران صفرمراد نیازاف رئیس‌جمهور اسبق ترکمنستان، اجرای طرح راه‌آهن مشهد به عشق‌آباد، تأسیس خط لوله گاز مشترک و حتی خط لوله سراسری به خلیج فارس و... را می‌توان از جمله طرح‌های اقتصادی مشترک دو کشور دانست که می‌تواند در کنار سایر روابط ارتقا یابد. نکته مهم در مناسبات دو کشور همجواری آنها با دریای خزر است. همگرایی ایران و ترکمنستان در کنار قزاقستان، روسیه و آذربایجان می‌تواند ضمن پایان دادن به بحران تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، نفوذ و کارشکنی‌های بازیگران غربی را خنثی سازد. برگزاری نشست وزرای خارجه همسایه خزر در تهران می‌تواند نقطه عطفی در اجرای این مهم باشد. ازسوی دیگر موقعیت جغرافیایی و منابع عظیم نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز سبب گرایش قدرت‌های بزرگ به این منطقه شده است. آنها تلاش دارند تا با اختلاف‌افکنی و توطئه‌های سیاسی و اقتصادی اهداف خود را در منطقه محقق سازند. اکنون ایران و ترکمنستان به‌عنوان همسایگانی که برای حفظ استقلال و مقابله با زیاده‌خواهی‌های غرب تلاش می‌کنند می‌توانند با ارتقای مناسبات گامی برای این مهم بردارند. اتحاد منطقه ضمن دربرداشتن منافع بسیاری برای آنها مانع از نفوذ و اجرای توطئه‌های غرب، رژیم صهیونیستی می‌شود که برای همسایگان اهمیت بسیاری دارد.

در نهایت می‌توان گفت که دو کشور با توجه به اشتراکات تاریخی، دینی و فرهنگی، توانایی‌های بیشتری برای ارتقای روابط دارند که می‌تواند در آینده محقق شود.

ازسوی دیگر ترکمنستان درحال ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی خود است و تلاش می‌کند تا خود را به جامعه جهانی نزدیک‌تر کند و در این راستا از منابع گاز خود بیشترین استفاده را خواهد برد. این تغییرات به ضرر روابط ایران - ترکمنستان خواهد بود و در نتیجه ترکمنستان از همسایه‌ای مطمئن و شریکی پایدار برای ایران به همسایه‌ای بدل می‌شود که در راستای منافع و تقویت روابط خود با غرب حاضر است هرگونه بازی با کارت ایران را انجام دهد.^(۱۵)



بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

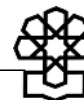
منطقه آسیای مرکزی پس از پایان سلطه اتحاد جماهیر شوروی در حوزه‌های مختلفی مانند ژئوپلیتیکی (محل تلاقی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی (منابع عظیم انرژی، به‌ویژه نفت و گاز حوزه خزر) و ژئوکالچر (به‌ویژه در چارچوب نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون و بسترهای مناسب برای خیزش حرکت اسلام‌گرایی) دارای اهمیتی روزافزون در نظام بین‌المللی شد، به‌گونه‌ای که برآیند این تحول را باید شکل‌گیری یک «بازی بزرگ جدید»^۱ دانست که جایگزین «بازی بزرگ»^۲ در چارچوب رقابت‌های قرن ۱۹ شده است، تحت چنین شرایطی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبرو است که شناخت صحیح آنها می‌تواند زمینه‌ساز اتخاذ و پیگیری یک سیاست خارجی واقع‌گرا، پویا و مطابق منافع ملی ایران باشد که در ادامه، به مهمترین بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی در حوزه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

۱. بسترها و عوامل همگرایی^(۱۶)

۱-۱. حوزه سیاسی

مهمترین نقطه همگرایی را باید تلاش کشورهای آسیای مرکزی برای رهایی از سلطه سیاسی روسیه (به‌عنوان میراث‌دار امپراتوری شوروی) و استقلال عمل در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانست. از این‌رو دولت‌های منطقه آسیای مرکزی، کشورهای چون ایران، پاکستان، هند و ... را در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند «اگو»^۳ و «سازمان همکاری شانگهای»^۴ به‌عنوان «نیروی موازنه‌گر»^۵ برای تعادل‌بخشی به روند سیاسی موجود و ساختار سلسله‌مراتبی در منطقه و کاستن از نقش بالا به پایین مسکو می‌نگرند. این امر، فرصتی است که دستگاه دیپلماسی ایران می‌تواند برای افزایش ضریب نفوذ سیاسی خود از آن بهره‌گیرد. در مجموع، وجود نظام‌های نوپای سیاسی علاقمند به مشارکت و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش آنها برای رهایی از سلطه سنتی روس‌ها را می‌توان به‌عنوان مهمترین بسترها و عوامل همگرایی سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی به‌شمار آورد.

1. New Great Game
2. Great Game
3. Economic Cooperation Organization (ECO)
4. Shanghai Cooperation Organization (SCO)
5. Balancer Force



۱-۲. حوزه امنیتی

همکاری ایران با کشورهای حوزه آسیای مرکزی را می‌توان در دو سطح دوجانبه و منطقه‌ای، مورد توجه قرار داد. در سطح دوجانبه، ایران با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای مشترک امنیتی، اقدام به انعقاد موافقتنامه‌های امنیتی (البته نه به صورت توافقنامه‌های نظامی در چارچوب اتحادیه‌های استراتژیک کرد). اما پس از عضویت ایران به عنوان عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۴ میلادی، همکاری ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی از سطح دوجانبه به سطح چندجانبه و منطقه‌ای ارتقا یافت.

۱-۳. حوزه اقتصادی

کشورهای آسیای مرکزی در چارچوب راهبرد «تنوع راه‌های دسترسی به بازارهای آزاد»، مایلند روابط خود را با قدرت‌های منطقه‌ای گسترش دهند. با توجه به اینکه این کشورها، عموماً کشورهای تک‌محصولی در صادرات به شمار می‌روند و اقلام محدودی از مواد اولیه را صادر می‌کنند، میزان اتکا به درآمد حاصل از این صادرات، بسیار زیاد و با توجه به نقش حمل‌ونقل در قیمت تمام شده و بازاریابی، جایگاه حمل‌ونقل و تسهیلات ترانزیتی در اقتصاد آنها بسیار مهم است.

«لذا ایران از نقطه نظر ترانزیت و حمل‌ونقل برای این کشورها حائز اهمیت فراوان است، زیرا کشورهای آسیای مرکزی، تلاش گسترده‌ای دارند تا از طریق تنوع بخشیدن به مسیرهای سنتی، وابستگی خود را به این راه‌ها که اکثراً فاقد ظرفیت رقابت با مسیرهای مشابه است و توجیه اقتصادی ندارند، را کاهش دهند». از این رو موقعیت راهبردی ایران در حمل‌ونقل و ترانزیت منطقه افزایش یافت.

در مجموع، طرح‌هایی چون راه‌آهن سراسری آسیا، بزرگراه آسیایی و کریدور شمال-جنوب و نیز خط لوله گاز نابوکو (ترکمنستان-ایران-ترکیه) و نیز خط لوله قزاقستان-ترکمنستان-ایران می‌تواند مهمترین فرصت‌های پیش روی ایران در آسیای مرکزی، چه به صورت دوجانبه و چه در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و شانگهای در حوزه اقتصادی باشد.

۱-۴. حوزه فرهنگی

با نگاهی اجمالی به این منطقه می‌توان برخی از مصادیق این امتیازات و همپوشانی فرهنگی را بین دو طرف مشاهده کرد. وجود اشتراکات دینی با وجود بیش از ۴۲ میلیون مسلمان (اگرچه متفاوت از نظر مذهبی)، اشتراکات زبانی در زیرمجموعه گویش‌های زبان فارسی، به‌ویژه در تاجیکستان، شهر اوش در جنوب قرقیزستان، وجود تشابه‌های فرهنگی با ایرانیان، به‌ویژه در تاجیکستان، دره



فرغانه در کنار رود زرافشان و سمرقند و بخارا در ازبکستان و نیز مرو و عشق‌آباد، نمونه‌هایی بدیع از این اشتراکات در حوزه فرهنگی است.^(۱۷)

این عوامل، موجب همگرایی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی گردیده و موجب شده تا تفاهم و دوستی بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران رو به گسترش گذارد. از این رو، حوزه فرهنگی، یکی از مهمترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای ژئوکالچر خود در آسیای مرکزی، زمینه همگرایی بیشتر در عرصه سیاست خارجی را فراهم کند.

۲. عوامل و زمینه‌های واگرایی

در کنار بسترهای همگرایی، عوامل و زمینه‌های واگرایی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، پیش روی سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی قرار دارد که شناخت صحیح از آنها می‌تواند مقدمه و طراحی یک برنامه واقع‌بینانه در جهت پیشبرد اهداف کلان دیپلماسی ایران را فراهم کند. در این بخش به صورت فشرده به مهمترین عوامل و زمینه‌های واگرایی در چهار حوزه پیش‌گفته خواهیم پرداخت.

۲-۱. حوزه سیاسی

- تفاوت در ماهیت نظام‌های سیاسی،

- ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت،

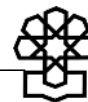
- فقدان تجربه و بی‌ثباتی در سیاست خارجی،

- اختلافات و رقابت‌های درون منطقه.

یکی از عواملی که به صورت بارزی بر روند همگرایی منطقه‌ای و توسعه مناسبات کشورهای منطقه آسیای مرکزی با کشورهای همسایه از جمله ایران در روابط دوجانبه و نیز در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند اکو تأثیر منفی برجای گذاشته است، رقابت‌ها و اختلافات کشورهای آسیای مرکزی با یکدیگر است. رقابت میان قزاقستان و ازبکستان بر سر رهبری در منطقه یا اختلاف تاجیکستان با ازبکستان بر سر مالکیت بخارای تاریخی، نمونه‌هایی از اختلافاتی است که دورنمای همکاری و گسترش همگرایی منطقه را به صورت جدی، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

۲-۱-۱. دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

محور آسیای مرکزی همواره در رهیافت قدرت محور ژئوپلیتیک از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. از این رو امروزه رقابت قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به منابع آسیای مرکزی و کنترل این



منطقه و منافع قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای از جمله ایران در این منطقه مهم است. در این راستا به بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تدوین استراتژی ایران در این منطقه می‌پردازیم.

۲-۱-۲. حضور بازیگران فرامنطقه‌ای

زمینه‌ها و عواملی چون خلأ قدرت ایجاد شده پس از فروپاشی شوروی، موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه، استقرار در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، دارا بودن دومین مخازن بزرگ انرژی دنیا، بازار مصرف انبوه و روبه رشد و تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف کاهش وابستگی به روسیه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی، باعث حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی شده و موانعی جدی برای حضور مؤثرتر ایران را به وجود آورده است. عمده‌ترین قدرت‌های فرامنطقه‌ای مؤثر در تحولات آسیای مرکزی عبارتند از:

- ایالات متحده آمریکا

کشورهای آسیای مرکزی با استفاده از فرصت به دست آمده پس از ۱۱ سپتامبر موفق شدند پای آمریکا را به منطقه باز کنند و این منطقه به عنوان یک پایگاه جدید برای آمریکا تبدیل شده که در صورت لزوم می‌تواند علیه ایران مورد استفاده واقع شود. یک رقیب ژئوپلیتیک نیز نصیب ایران شد و آن افغانستان است که در صورت دستیابی به ثبات و امنیت کافی می‌تواند با همکاری پاکستان از اهمیت موقعیت ایران در رهاسازی آسیای مرکزی از انزوای ژئوپلیتیک بکاهد.

اما حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی در راستای نزدیکی آمریکا با روسیه و اتحادیه روسیه با ناتو صورت می‌پذیرد و طبیعی است که ورود آمریکا به منطقه برای دفاع از آنها در برابر روسیه، بلکه برای تأمین منافع نفتی و استراتژیک خود خواهد بود. در سطح بین‌الملل نیز با باز شدن پای آمریکا و اروپای غربی به آسیای مرکزی، جایگاه خاصی برای آسیای مرکزی در نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند و متقابلاً امنیت این منطقه، امنیت جهانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک بازیگر در نظام بین‌الملل از آن متأثر خواهد شد. وجود منابع عظیم نفت در منطقه، تلاش غرب در جلوگیری از گسترش سلاح و تکنولوژی و فناوری هسته‌ای و اعمال کنترل مؤثر بر آنها ترس و نگرانی غرب از بنیادگرایی اسلامی در منطقه و سر کردن بیش از حد روس‌ها در منطقه از عواملی هستند که به مسائل آسیای مرکزی بُعد بین‌المللی بخشیده است.

با ورود آمریکا به آسیای مرکزی، فضای داخلی این کشورها به عرصه رقابت میان طرفداران روسیه و آمریکا تبدیل خواهد شد و در اینجا که نقش کشورهای دیگر به ویژه ایران و چین به عنوان نیروی سوم بارز خواهد شد. محافل آمریکایی از گسترش و تعمیق همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی ناخشنودند و میزان روابط دیپلماتیک و سیاسی خود را با



کشورهای آسیای مرکزی با میزان روابط این جمهوری‌ها با تهران و دوری و نزدیکی آن می‌سنجند و سعی بر کنترل روابط این کشورها با ایران دارند. آمریکا با روش‌های مختلف چون مجازات‌های اقتصادی یا کمک‌های اقتصادی جمهوری‌های منطقه را به عدم همکاری با ایران تشویق می‌کند. مانع‌تراشی در احداث و استفاده از خط لوله‌ای که از ایران می‌گذرد نمونه واضح این جهت‌گیری‌های سیاسی است. به‌طور کلی دو هدف عمده از سیاست آمریکا در جهت جلوگیری از نفوذ بیش از حد ایران در آسیای مرکزی وجود دارد: یکی کاهش اهمیت ژئوپلیتیک ایران برای ملل این منطقه و دیگری تبلیغ مدل و الگوی غربی برای آنهاست. ازسوی دیگر با روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا روند گسترش روابط با کشورهای آسیای مرکزی از شتاب بیشتری برخوردار شده است. این شتاب در گسترش روابط بیش از همه به روابط آمریکا و قزاقستان معطوف شده است که دارای مرزهای طولانی با روسیه است که قرار است در سال ۲۰۱۰ ریاست سازمان امنیت و همکاری اروپا را به‌عهده بگیرد. علاوه بر این آمریکا در حال حاضر و در قیاس با سایر کشورهای منطقه بالاترین میزان همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را با قزاقستان دارد. واشنگتن مهمترین سرمایه‌گذار خارجی قزاقستان بوده و تاکنون بیش از ۱۷ میلیارد دلار در اقتصاد این کشور سرمایه‌گذاری کرده است که حدوداً ۲۵ درصد مجموع سرمایه‌های خارجی قزاقستان را تشکیل می‌دهد. مبادله تجاری میان دو کشور در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار ارزیابی شده است. براساس آمار موجود حدود ۴۰۰ شرکت آمریکایی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و تجاری قزاقستان فعالیت انجام می‌دهند که خود اهمیت عامل آمریکا در مبادلات تجاری و اقتصادی این کشور را نشان می‌دهد. هدف اصلی آمریکا از گسترش حضور در قزاقستان و آسیای مرکزی تسلط بر منطقه و تحت نظارت استراتژیک داشتن روسیه و چین است.

در ارزیابی تحولات منطقه آسیای مرکزی باید به جایگاه ایران که با کشور مهم ترکمنستان هم‌مرز است و قدرت فرمانطقه‌ای آمریکا که پس از ۱۱ سپتامبر به بهانه مبارزه با تروریسم به منطقه آمده، توجه جدی کرد. هدف‌های این کشور را با توجه به نقش ایران در منطقه آسیای مرکزی، می‌توان چنین ارزیابی کرد:

۱. تلاش در جهت انزوای ایران در آسیای مرکزی،

۲. اعمال شیوه‌های پاداش و تنبیه اقتصادی برای این کشورها به‌منظور همکاری نکردن آنان با ایران،

۳. اعمال سیستم کنترل ایران با محوریت اسرائیل و آذربایجان.

همچنین به‌خاطر توسعه عملیات نظامی در افغانستان منطقه آسیای میانه برای آمریکا از نظر توسعه همکاری‌های نظامی با کشورهای آن و همچنین برای دورنمای بعد از پایان عملیات نظامی در افغانستان اهمیت بسزایی یافته است.



- ترکیه

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی، کشور ترکیه و الگوی حکومتی ترکیه است. ترکیه به‌عنوان کشور سکولار و هوادار دمکراسی غربی و ایران هم به‌عنوان یک دولت اسلامی و غیرسکولار برای شکل دادن هویت منطقه، سرسختانه رقابت می‌کنند. ترکیه ابتدا دیپلماسی فعالی را در این منطقه سازمان داد، اما به‌زودی آثار و پیامدهای وابستگی سیاسی، اقتصادی این جمهوری‌ها به روسیه آشکار شد و بازرگانان ترک از آغاز دهه ۱۹۹۰ فعالیت خود را در این منطقه توسعه دادند. منابع انرژی نیز در منطقه برای ترکیه که با دشواری آن را تأمین می‌کرد جالب توجه بوده است. سران ترکیه در راستای ارائه الگوی حکومتی خود درصدد هستند تا جلوی هرگونه فعالیت اسلام‌خواهی را بگیرند و در سطح وسیع‌تر از پیدایش حکومت اسلامی در آینده کشورهای منطقه به هر طریق ممکن جلوگیری به‌عمل آورند. وزارت خارجه ترکیه طرح ایجاد منطقه آزاد دریای سیاه و کشورهای آسیای مرکزی را پیشنهاد می‌کند که براساس آن ترکیه حلقه وصل این دو حوزه قرار گیرد. سیاست ترکیه این است که حکومت سکولار و مبتنی بر دمکراسی غربی و شیوه اقتصاد خود را سرمشق این کشورها قرار دهد. با پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه تغییر اساسی در اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه مشاهده نمی‌شود به‌دلیل اینکه سیاست خارجی ترکیه ایدئولوژیک نیست و براساس اولویت‌های ژئوپلیتیکی جهت‌گیری می‌شود به همین دلیل رابطه با کشورهای ترک در منطقه و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و گسترش رابطه با غرب و آمریکا همچنان از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه است.

- اسرائیل

اسرائیل از دیگر بازیگران منطقه‌ای است که استراتژی بلندمدت خود را بر نفوذ اقتصادی و سیاسی در منطقه خاورمیانه جدید شامل ترکیه، پاکستان، کشورهای غرب خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز استوار ساخته است. اسرائیل ایران را بزرگ‌ترین تهدید علیه خود در منطقه عنوان می‌کند که با موجودیت اسرائیل اساساً مخالف است. البته این استراتژی اسرائیل بیشتر در قالب استراتژی ترکیه در منطقه است تا به‌عنوان یک استراتژی مستقل. وجه مشترک خواست غرب، ترکیه و اسرائیل جلوگیری از نفوذ اسلام‌گرایی در کشورهای مسلمان‌نشین منطقه است. با توجه به نیاز شدید این کشورها به کمک‌ها و سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی، اسرائیل تلاش زیادی برای نزدیک شدن به این جمهوری‌ها و استفاده‌های سیاسی، امنیتی در کنار منافع اقتصادی به‌کار گرفته است.^(۱۸) همچنین با روی کار آمدن کابینه تندرو «بنیامین نتانیا‌هو» رژیم صهیونیستی تلاش جدیدی را برای گسترش حضور در کشورهای آسیای مرکزی با توجه به نزدیکی آنها به ایران، آغاز کرده است. مقامات اسرائیل معتقدند که آسیای مرکزی مهمترین منطقه برای رژیم صهیونیستی به‌حساب می‌آید و ازبکستان کلید ورود اسرائیل به این منطقه خواهد بود.



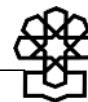
- اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا را باید دومین بازیگر قدرتمند فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی به‌شمار آورد. «به‌دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، جمهوری آسیای مرکزی و قفقاز در کانون توجه کشورهای اروپایی قرار گرفتند. اروپاییان به‌خوبی به این امر واقف بودند که همجواری با جمهوری‌های تازه تولد یافته، یک واقعیت ژئوپلیتیک محسوب شده و قابل اعمال نیست. این واقعیت ژئوپلیتیک می‌توانست هم به‌عنوان یک چالش و هم یک فرصت برای اروپا مطرح شود. طبیعی‌ترین و منطقی‌ترین راه برای تعامل با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز از سوی اروپا، حرکت در مسیری بود که در نهایت با انجام اصلاحات عمیق در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به شرکای همگون و هم‌پیمانان پایدار برای اروپا تبدیل کند.»^(۱۹)

یکی از مهمترین دلایل حضور اروپایی‌ها نیاز روزافزون قاره اروپا به انرژی، به‌ویژه گاز مصرفی است. در حقیقت ما به‌دنبال بروز مشکلات سیاسی بین اروپا و روسیه، سیاستمداران اروپایی در پی تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی هستند تا بتوانند در مقابل بهره‌گیری کرملین از انرژی به‌عنوان اهرم فشار، مقاومت کنند. از این رو، منابع عظیم انرژی آسیای مرکزی، مورد توجه جدی اروپاییان قرار دارد که در صورت برنامه‌ریزی مناسب، ایران می‌تواند از فرصت ایجاد شده به‌ویژه در صادرات گاز ترکمنستان به اروپا به نحو شایسته‌ای بهره‌برداری کند.^(۲۰)

- پاکستان و عربستان

این دو کشور، عمدتاً اهدافی ایدئولوژیک را در منطقه آسیای مرکزی تعقیب می‌کنند. حمایت مالی عربستان سعودی در کنار حمایت لجستیکی و آموزشی پاکستان از گروه‌های وهابی و بنیادگرا به قصد گسترش این اندیشه در آسیای مرکزی و تحت فشار قرار دادن ایران صورت می‌گیرد که چالشی دیگر برای سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود. در این رابطه باید به جنبش‌ها و گروه‌هایی مانند «حزب النصر»، «حرکت اسلامی ازبکستان»، «حزب التحریر اسلامی» و زیرشاخه‌های آن مانند «گروه اکرمیه» و نیز «جنبش اسلامی آسیای مرکزی» در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان اشاره کرد که علیرغم جهت‌گیری‌های اسلامی به‌دلیل وابستگی عقیدتی به خارج از منطقه آسیای مرکزی، پایبندی به مبانی فکری بنیادگرایانه برپایه اندیشه‌های وهابی و سلفی، تجویز کاربرد خشونت در پیوند با گروه‌هایی مانند طالبان و القاعده، یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی به‌شمار می‌رود. از آنجا که این گروه‌ها با خطمشی مبارزه مسلحانه، در پی سرنگونی رژیم‌های سکولار هستند و در این مسیر، متوسل به اقداماتی مانند گروگانگیری، ترور و دریافت کمک‌های خارجی



می‌شوند، نقش این گروه‌ها برهم‌زننده نظم، ثبات و امنیت در منطقه آسیای مرکزی است، از این‌رو جمهوری اسلامی ایران باید ضمن شناسایی دقیق ماهیت چنین حرکت‌هایی به موازات تفکیک این گروه‌ها از جنبش‌های بومی و مسالمت‌آمیز اسلامی، ضمن مبرا کردن خود از اتهام حمایت ایران از گروه‌های اسلامی رادیکال در منطقه، با هماهنگی بیشتر با دولت‌های منطقه از شکل‌گیری یک جریان فکری، مذهبی و سیاسی در پرتو اندیشه‌های سلفی‌گری و وهابی در مرزهای شمال شرقی ایران جلوگیری کند.^(۲۱)

۳-۱-۲. دخالت بازیگران منطقه‌ای

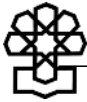
عمده‌ترین بازیگران منطقه‌ای مؤثر در منطقه آسیای مرکزی را باید روسیه و چین دانست. حضور مؤثر و پررنگ این دو کشور در آسیای مرکزی، مانعی جدی برای تحقق اهداف سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود. به‌طور فشرده مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل حضور این دو قدرت در آسیای مرکزی به‌صورت زیر است:

- جمهوری خلق چین

برای قرن‌ها یک روند فشرده از همکاری فرهنگی، علمی و اقتصادی میان مردم چین و آسیای مرکزی، به‌ویژه از طریق جاده ابریشم وجود داشته است. در حال حاضر، این کشور با سه جمهوری قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان دارای مرز مشترکی به طول بیش از ۲۸۰۰ کیلومتر است. پکن با توجه به خلأ قدرت پیش آمده پس از فروپاشی شوروی به‌دلیل برخورداری از منافع گسترده اقتصادی، ملاحظات و دغدغه‌های امنیتی و سیاسی در حوزه مسائل قومی، مذهبی و نظامی، به‌ویژه حضور آمریکا در منطقه و گسترش ناتو به شرق، توجه ویژه‌ای به منطقه آسیای مرکزی، چه به‌صورت دوجانبه و چه چندجانبه در قالب سازمان همکاری شانگهای نشان داده است که این امر، فضا را برای حضور ایران در منطقه، تنگ‌تر می‌کند و دشواری‌هایی را پیش روی سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد.^(۲۲)

- روسیه

چالش دیگر در مقابل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه حضور و نفوذ روسیه در این منطقه است. روسیه به‌لحاظ حضور تاریخی و به یاری امکانات مختلف همچنان در این جمهوری‌ها حضور مؤثر دارد و منطقه را حوزه امنیتی و استراتژیک خود می‌داند. اگرچه در این منطقه احتمال تعارض منافع بین ایران و روسیه وجود دارد، ولی این دو کشور به‌تدریج با درک منافع یکدیگر در منطقه و وجود حوزه‌های متعدد همکاری، همچون حل‌وفصل مناقشات منطقه‌ای در تاجیکستان و قره‌باغ، منافع دو کشور در زمینه بهره‌برداری از منافع دریای خزر، همکاری هسته‌ای



برای استفاده صلح‌آمیز روسیه و استفاده از بازار یکدیگر برای کالاهای خود به سمت همکاری و دوستی پیش می‌روند. همکاری روسیه با ایران نشان‌دهنده این است که روسیه ایران را به چشم یک عامل امنیتی و ثبات‌بخش در منطقه آسیای مرکزی می‌بیند و ایران هم وابستگی این جمهوری‌ها به فدراسیون روسیه را یک واقعیت قابل درک می‌داند.^(۲۳) برای روسیه، آسیای میانه منطقه منافع اولویت‌دار محسوب می‌شود و حضور هر کشور دیگری در آن به‌عنوان تهدیدی واضح ارزیابی می‌شود.

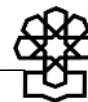
در مقابل ایران، روسیه، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و ترکیه هستند که توانسته‌اند با برقراری روابط استوار و ثابت جای پای خود را در نزدیک‌ترین همسایگان فرهنگی و جغرافیایی ایران برقرار سازند. بی‌توجهی سیاست خارجی ایران به این حوزه به تناسب پتانسیل‌های گسترده همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روزبه‌روز باعث افزایش نفوذ رقیبان منطقه‌ای ایران همچون ترکیه در منطقه شده است.

در کنار این روند چین که در سال اخیر رشد اقتصادی زیادی داشته است به سرمایه‌گذاری‌های کلانی در تمام کشورهای این حوزه دست زده و توانسته است نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در این منطقه چندین برابر سابق افزایش دهد. گذشته از این قدرت مهم همان‌طور که اشاره شد ترکیه که فاقد مرزهای مشترک با این حوزه است تنها به‌واسطه اشتراکات زبانی خود، با بسیاری از کشورهای این حوزه با تدوین استراتژی دقیق و هدفمند اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خود عملاً آسیای مرکزی را از حوزه‌های اصلی مورد توجه در سیاست خارجی خود قرار داده است. چنانچه سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری آنها در کشورهایی همچون ترکمنستان (به‌ویژه در حوزه انرژی) جایگاه و اهرم‌های بازی آنها را در این منطقه چندین برابر ایران افزایش داده است. آنچه مشخص است سیاست خارجی ایران در حوزه آسیای مرکزی نیازمند واکاوی، بازشناسی و آسیب‌شناسی است و ادامه روند فعلی و حفظ رویکردهای قبلی در کنار استراتژی‌های ناکارآمد و غلط گذشته روزبه‌روز از جایگاه ایران در منطقه خواهد کاست.

۲-۲. حوزه امنیتی

زیرسیستم^۱ آسیای مرکزی، یکی از اصلی‌ترین و امنیتی‌ترین محیط امنیت ملی ایران محسوب می‌گردد که مجموعه‌ای از تهدیدها و فرصت‌ها را در درون خود داراست.

تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در شرق، شمال شرقی و شمال ایران، ازجمله حضور نظامی آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی، از بین رفتن سلطه طالبان و القاعده در افغانستان و نیز



گسترش ناتو به شرق در قالب برنامه «مشارکت برای صلح»^۱ محیط امنیتی آسیای مرکزی را دچار تحولی اساسی کرده و صف‌بندی نیروها را به کلی دگرگون ساخت. «در حقیقت، واقعه ۱۱ سپتامبر را می‌توان سرآغاز حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز محسوب کرد. آمریکا ابتدا برای انجام عملیات نظامی خود علیه طالبان از فرودگاه‌های خان‌آباد از ازبکستان و کولاب تاجیکستان، استفاده عملیاتی و لجستیکی کرد. پس از سقوط رژیم طالبان و استقرار نظم سیاسی جدید در افغانستان و با توجه به مراحل که در موافقتنامه بن، پیش‌بینی شده بود، انتظار می‌رفت که آمریکا در مورد خارج ساختن نیروهای نظامی خود از آسیای مرکزی تجدیدنظر کند، اما آمریکا اعلام داشت که همچنان به پایگاه‌های نظامی خود در آسیای مرکزی، نیازمند است، زیرا هنوز مبارزه و جنگ با تروریسم پایان نیافته است».^(۲۴)

اگرچه به دلیل انتقادهای جهانی از سیاست‌های یک‌جانبه و اشنگتن، پایان حاکمیت نومحافظه‌کاران و تغییر قدرت در کاخ سفید، فرسایش نیروهای آمریکایی در افغانستان و تقویت روزافزون مکانیسم شانگهای برای مقابله با حضور نظامی ایالات متحده در منطقه (از جمله تعیین مهلت ۸۰ روزه از سوی این سازمان برای تخلیه پایگاه خان‌آباد در ازبکستان و خروج نیروهای آمریکایی از این پایگاه)، در شرایط کنونی حضور نظامی ایالات متحده با چالش‌هایی بسیار جدی مواجه است، اما «برای جلوگیری از وقوع سناریوهایی که هم به ضرر ایران و هم کشورهای منطقه است، ایران باید پایه ابتکار عمل برای ایجاد یک ساختار جدید در منطقه که شامل تمامی آنها باشد، را در دست گیرد که یکی از مؤثرترین راهبردها می‌تواند، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای باشد. با روند رو به گسترش ناتو به سمت شرق، دیر یا زود، ایران باید به فکر مکانیسمی برای مشارکت و همکاری با این پیمان باشد. به نظر می‌رسد با توجه به جهت‌گیری این پیمان بدون حضور آمریکا، احتمالاً جهت‌گیری آن مستقل‌تر و به منافع کشورهای منطقه نزدیک‌تر باشد».^(۲۵)

نکته دیگری که باید بدان توجه نمود، این است که علیرغم همپوشانی‌هایی بین سیاست ایران و سازمان همکاری شانگهای در مقابله با تهدیدات مشترک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند تروریسم، جدایی‌طلبی، بنیادگرایی مذهبی (به‌عنوان مثلث اهریمنی در تعریف امنیتی شانگهای)، مسئله مواد مخدر و مقابله با نفوذ نظامی آمریکا و ناتو وجود دارد که به سهم خود می‌تواند فرصت‌هایی برای سیاست خارجی ایران محسوب شود، اما تفاوت در برداشت از معنی تروریسم و بنیادگرایی مذهبی بین جمهوری اسلامی ایران و حکومت‌های سکولار آسیای مرکزی و ارائه تصویری مداخله‌جویانه در سیاست خارجی ایران از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای توأم با حضور نظامی گسترده آنها نیز از مهمترین چالش‌های فراروی سیاست خارجی ایران در حوزه امنیتی منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود.



۳-۲. حوزه اقتصادی

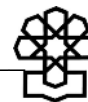
علیرغم توانایی‌ها و پتانسیل‌های فراوانی که در حوزه اقتصادی وجود دارد، اما عوامل و موانع بازدارنده‌ای نیز وجود دارد که موجب واگرایی و ایجاد چالش، پیش روی سیاست خارجی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی در حوزه اقتصادی می‌شود. این عوامل را می‌توان در دو بخش داخلی و خارجی، مورد توجه قرار داد.

در سطح داخلی، مهمترین مسئله، اقتصادهای ضعیف و شکننده کشورهای منطقه است که هنوز دوران گذار از اقتصادهای متمرکز سوسیالیستی به سمت اقتصاد بازار آزاد را به‌طور کامل طی ننموده‌اند.

علاوه بر این، یکی از مهمترین موانع در توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی را باید در سطح خارجی و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و نیز فرامنطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا دانست. وابستگی‌های ساختاری اقتصاد کشورهای منطقه به فدراسیون روسیه و تلاش مسکو برای حفظ و تداوم سلطه اقتصادی خود، فضا را برای حضور ایران بسیار محدود ساخته است. ازسویی دیگر باید به تلاش واشنگتن اشاره کرد که برای دستیابی به منابع نفتی خزر و آسیای مرکزی با هدف کاهش وابستگی به منابع نفتی خاورمیانه و همزمان، پیگیری استراتژی منزوی کردن ایران در منطقه، نفوذ طبیعی خود را جلوگیری از عبور خطوط لوله نفت و گاز، آسیای مرکزی از ایران به‌عنوان ارزان‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر می‌داند.

بدون تردید، مهمترین تأثیر منفی ایالات متحده بر حضور مؤثر ایران در آسیای مرکزی را باید کارشکنی این کشور در انتقال منابع عظیم انرژی منطقه به بازارهای جهانی دانست. «ایران از نگاه آمریکا نباید فعال بوده و نباید خطوط لوله از مسیر این کشور بگذرد، زیرا حضور ایران در صحنه انرژی و عبور منابع در خلیج فارس، کاملاً همراه با تسلط است.»^(۲۶)

ازسوی دیگر در معادلات جدید انرژی، در این میان مسئله مهم ایجاد توازن در بازار انرژی آسیای مرکزی با محوریت همکاری با کشورهای شرق است؛ زیرا ساخت خط لوله‌های جدید انتقال انرژی تنها صدور نفت و گاز نیست، بلکه به معنای وابسته شدن و همکاری و هماهنگی مواضع کشورهای صادرکننده و ترانزیت‌کننده نیز خواهد بود. بنابراین در شرایط جدید معادلات انرژی آسیای مرکزی، روسیه و چین حرف اول را خواهند زد، زیرا نفوذ پکن و مسکو در بازار انرژی آسیای مرکزی موجب می‌شود، جمهوری‌های این منطقه تابع خط‌مشی سیاسی روسیه و چین باشند. به‌عبارت دیگر، سیاست راهبردی کشورهای آسیای مرکزی توسط مسکو و پکن تدوین خواهد شد، زیرا این دو کشور در قالب «سازمان همکاری‌های شانگهای» سیاست واحد انرژی را با اعطای امتیازات به کشورهای منطقه در پیش گرفته و تا اندازه‌ای موفق هم عمل کرده‌اند.^(۲۷)



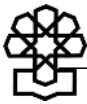
۴-۲. حوزه فرهنگی

اما در کنار عوامل همگرایی، در حوزه فرهنگی ایران در مناسبات خود با آسیای مرکزی با چالش‌هایی نیز مواجه است که نیازمند درک درست و برنامه‌ریزی مناسب برای به حداقل رساندن آن است.

تقابل اسلام شیعی و نیز انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی و زبانی قدرت‌هایی چون روسیه و ترکیه، تبلیغات وسیع ضدایرانی از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای چون ترکیه و آمریکا را باید از مهمترین عوامل واگرایی ایران و آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی به‌شمار آورد. نکته قابل توجه، آن است که کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال، دچار نوعی بحران هویت و مشروعیت شده و در مرحله گذار از «ملت‌سازی» و «دولت‌سازی» هستند. از این رو، برای جبران خلأهای موجود، دست به تاریخ‌سازی و در مواردی جعل تاریخ می‌زنند تا هویتی جدید و مستقل از خود به کشورهای منطقه و جهان ارائه دهند.

از این رو، به موازات تحریک و حمایت کشورهای چوَن آذربایجان، ترکیه و آمریکا، اقداماتی مانند پاکسازی کتابخانه‌های سمرقند و بخارا از کتاب‌های فارسی، مصادره ملیت شاعرانی چون رودکی و ناصر خسرو از سوی تاجیکستان و فیلسوفی چون فارابی از طرف قزاقستان و نیز دانشمندی چون خوارزمی از سوی ازبکستان صورت می‌گیرد و متأسفانه با تحریف تاریخ در کتاب‌های درسی آسیای مرکزی، تصویری مخدوش و تجاوزطلب از ایران در ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان آسیای مرکزی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند تأثیر بسیار منفی و مخربی در ذهنیت آینده مدیران و تصمیم‌گیرندگان کشورهای آسیای مرکزی در قبال ایران داشته باشد.^(۲۸)

«از این رو به‌منظور بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود و کاستن از عوامل چالش‌زا در حوزه فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، نیازمند برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و انتخاب استراتژی تساهل و تعقل با تکیه بر تقویت فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌جای غلبه ایدئولوژیک فرهنگ اسلامی از نوع جمهوری اسلامی در تنظیم روابط بین حکومتی در سیاست خارجی است. از این رو تعیین نقش میراث فرهنگی ایرانی - اسلامی و تقابل آن با ناسیونالیسم ملی (ترکی) و چالش‌های ناشی از رقابت فرهنگ غربی با فرهنگ ایرانی - اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد».^(۲۹) بنابراین، تعمیق مناسبات ایران با کشورهای این منطقه در حوزه فرهنگی - که فراهم‌کننده زمینه تعامل جدی در سایر حوزه‌هاست - منوط به شناسایی مؤلفه‌های مشترک فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از قبیل مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و میراث فرهنگی و درک مؤلفه‌های تهدیدکننده این اشتراکات فرهنگی همچون اسلام‌گرایی افراطی و قوم‌گرایی خواهد بود.



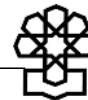
چشم‌انداز روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی

مهمترین عوامل استراتژیک مناسبات ایران و آسیای مرکزی به روسیه و ایالات متحده آمریکا مربوط می‌شود. ایران و روسیه رقبای طبیعی در زمینه مسیرهای صادراتی نفت و گاز خزر هستند. روابط دوجانبه نزدیک ایران و روسیه تا حد زیادی نتیجه نفی و طرد سلطه جهانی آمریکا به‌طور کلی و تجاوز آن به حیات خلوت قفقاز، خزر، آسیای مرکزی به‌طور اخص است. بدین ترتیب تغییر در مناسبات ایران با روسیه با آمریکا بر روابط ایران میان آن تأثیر خواهد گذاشت.

دولت آمریکا در آسیای مرکزی موضع سختی علیه ایران در صادرات و توسعه منابع انرژی خود در پیش گرفته و به انکار مزایای آشکار استفاده کشورهای آسیای مرکزی از پتانسیل ایران به‌عنوان یک کشور ترانزیتی ادامه می‌دهد و راه‌گریز شرکت‌های نفتی آمریکایی برای فرار از رژیم تحریم‌ها و مبادله نفت با ایران را می‌بندد. در صورتی‌که دولت آمریکا ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه منافع کشورهای آسیای مرکزی و ثبات منطقه به تصویر نکشد، تصور نخبگان آسیای مرکزی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. این امر زمینه را برای روابط گسترده‌تر ایران و آسیای مرکزی در زمینه‌های مختلف مساعد خواهد کرد و به ایجاد یک محیط دوستانه‌تری کمک خواهد کرد که در آن الگوهای روابط امنیتی منطقه‌ای قادر به شکل‌گیری باشند. از دیگر تحولات فرامنطقه‌ای که در تعیین آینده روابط ایران و آسیای مرکزی مهم هستند، دخالت و منافع چین در هر دو زمینه اقتصادی و انرژی و نیز در زمینه‌های امنیتی است که در منطقه رو به افزایش است. تهران از حضور بیشتر چین استقبال می‌کند، زیرا هم نشانگر چندقطبی بودن در دوران پس از جنگ سرد است و هم وزنه تعادل‌کننده‌ای در مقابل نفوذ غرب در آسیای مرکزی است، آن هم در زمانی که تعهدات روسیه در منطقه رو به کاهش است.

آسیب‌شناسی سیاست خارجی استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

ایران کشوری همسایه با منطقه اوراسیای مرکزی، برای تأثیرگذاری در این عرصه تاکنون با چالش‌هایی روبرو بوده است. در شرایط موجود منطقه‌ای، به هر اندازه کشورهای از حوزه نفوذ گسترده‌تری برخوردار باشند، به مطلوبیت‌های استراتژیک بیشتری نائل می‌شوند. این امر می‌تواند فضای لازم برای مقابله با کشورهای مداخله‌گر غیرمنطقه‌ای را به‌وجود آورد. مداخله‌گری منطقه‌ای را می‌توان به‌عنوان انعکاس شرایط رقابت‌آمیز دانست. به هر میزان رقابت‌ها افزایش یابد، زمینه برای ظهور تعارض و رویارویی واحدهای سیاسی افزایش بیشتری پیدا می‌کند. از این رو می‌توان سطح قابل توجهی از رقابت بین واحدهای مداخله‌گر جهت تأثیرگذاری بر



حوزه آسیای مرکزی را مشاهده کرد. این امر منجر به کاهش مطلوبیت‌های استراتژیک ایران می‌شود. زیرا ایران باید برای نیل به اهداف اقتصادی و استراتژیک با طیف گسترده‌ای از واحدهای رقیب به مقابله و رویارویی مبادرت ورزد. چنین روندی منجر به کاهش مطلوبیت‌های استراتژیک ایران در حوزه آسیای مرکزی می‌شود.

برای نیل به اهداف امنیتی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران جلوه‌هایی از تعامل سازنده با کشورهای منطقه‌ای باید در دستور کار قرار دهد. تعامل سازنده نقش قدرت‌های بزرگ و واحدهای مداخله‌گر را کاهش داده و از سوی دیگر منجر به محدودسازی رقابت‌های بین‌المللی برای تسلط بر حوزه آسیای مرکزی خواهد شد.

۱. مناسبات ایران با کشورهای این منطقه در حوزه فرهنگی که فراهم‌کننده زمینه تعامل جدی در سایر حوزه‌هاست منوط به شناسایی مؤلفه‌های مشترک فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از قبیل مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و میراث فرهنگی و درک مؤلفه‌های تهدیدکننده این اشتراکات فرهنگی همچون اسلام‌گرایی افراطی و قوم‌گرایی خواهد بود.

ایران با توجه به اشتراکات فرهنگی گسترده و در عین توجه به تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند از دیپلماسی عمومی در چارچوب قدرت نرم در این منطقه بهره‌گیرد. از تمام زیرسیستم‌های منطقه‌ای و در مقایسه با مناطقی مانند قفقاز با تسلط فرهنگ اروپایی و یا زیرسیستم خلیج فارس با کنترل فرهنگ عربی، تنها منطقه آسیای مرکزی است که چنین فرصتی را می‌تواند در اختیار ایران قرار دهد. از این رو در بیش از سه حوزه دیگر، یعنی سیاسی، امنیتی و اقتصادی باید جانب احتیاط را رعایت و در ترسیم هرگونه چشم‌اندازی باید به مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی ایران به‌عنوان مهمترین عامل پیشبرد سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی توجه کرد، زیرا «تحولات سیاسی در ایران و تأکید بر مذهب اسلام - و نه مسائل فرقه‌ای شیعی یا سنی - بستر مناسبی را برای همکاری تمدنی، ضمن شناسایی تمایزهای فرهنگی در توسعه داخلی، به‌وجود آورده است. مبنا قرار گرفتن اعتقادات بومی جهت فعالیت‌های سیاسی این کشور نباید با پویش‌های افراطی و انقلابی توأم باشد. تحول پیش‌رونده به‌جای تغییرات افراطی، آینده این کشور را رقم خواهد زد. چنین استراتژی انقباضی با بافت نظم نوین جهانی، هماهنگی سامان‌بخشی دارد، تأکید بر فرهنگ بومی می‌تواند زمینه سالمی برای روابط متقابل در زمینه تمدنی ایجاد کند.»^(۳۰)

در مجموع، به‌نظر می‌رسد راهکارهایی که می‌تواند به تعمیق گسترش روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی کمک شایانی کند عبارت است از:

- توسعه همگرایی فرهنگی،

- اصلاح برداشت‌های نادرست از محتوای فرهنگ اسلامی - ایرانی،



- تلاش در جهت اعتمادسازی،

لازم است که جمهوری اسلامی ایران نسبت به اهمیت این دارایی استراتژیک خود که همان پیوندهای تمدنی و زبانی و مذهبی به ایران مرتبند واقف شود.

- افزایش همکاری‌های علمی از قبیل تبادل استاد و دانشجو و برقراری کنفرانس‌های علمی مشترک،

- تأسیس و گسترش کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای آسیای مرکزی تدارک سفرهای بین دانشگاهی ایران و این کشورها، همچنین تقویت پیوند پارلمان‌های ایران و هریک از کشورهای مذکور،

- تأکید بر مناسبات خاص مثل نوروز و اعیاد مذهبی و معرفی آن به جوانان این کشورها از طریق ارائه برنامه‌های فرهنگی،^(۳۱)

- ارائه چهره واقع‌بینانه از ایران و اسلام از طریق مطبوعات و فیلم‌های سینمایی (انتشار روزنامه یا مجله می‌تواند اقدام مناسبی در مرحله اول قلمداد شود و در مراحل بعدی تشکیل شبکه مشترک سیما و تهیه فیلم‌های مشترک هنری و مستند نیز به نفع آشنایی متقابل بهتر از ایران و منطقه خواهد بود).

بنابراین، تعمیق مناسبات ایران با کشورهای این منطقه در حوزه فرهنگی - که فراهم‌کننده زمینه تعامل جدی در سایر حوزه‌هاست - منوط به شناسایی مؤلفه‌های مشترک فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از قبیل مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و میراث فرهنگی و درک مؤلفه‌های تهدیدکننده این اشتراکات فرهنگی همچون اسلام‌گرایی افراطی و قوم‌گرایی خواهد بود.

۲. علایق اقتصادی موجود میان ایران و آسیای مرکزی در دو بخش نیازهای ارتباطی و همکاری‌های اقتصادی بررسی می‌شود. ایران می‌تواند از سویی کالاهای مصرفی مورد نیاز این جمهوری‌ها را از قبیل منسوجات، میوه‌جات و انواع کالاهای خوراکی و بعضاً صنعتی را به این جمهوری‌ها صادر کند و از سوی دیگر قادر است در استفاده بهتر از منابع و معادن و استخراج و تولید این منابع به آنها کمک کند. همچنین جمهوری اسلامی ایران با حلقه‌های ارتباطی خویش با شاهراه‌های بین‌المللی می‌تواند پایه‌گذار اصلی ارتباط آسیای مرکزی با جهان خارج باشد. راه‌های ارتباطی خشکی و آبی ایران در آسیای مرکزی می‌تواند زمینه عمده‌ای برای همکاری‌های متقابل باشد و به رفع نیازهای ارتباطی طرفین کمک کند.

از سوی دیگر ایران در حوزه اقتصادی در سطح دو جانبه و منطقه‌ای می‌تواند همکاری‌های مطلوبی با کشورهای آسیای مرکزی داشته باشد. مهمترین مزیت اقتصادی ایران نسبت به تمامی



رقبای اقتصادی در این منطقه، برخورداری از کوتاه‌ترین، امن‌ترین و باصرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد و نیز کشورهای خاورمیانه و اروپایی است.

گسترش رایزنی‌ها و برگزاری سمینارها و جلسات دوجانبه و منطقه‌ای برای معرفی هرچه بیشتر این مزیت، به‌ویژه در دو حوزه ریلی و جاده‌ای از اولویت‌های ایران در حوزه اقتصادی به‌شمار می‌رود. نکته مهم دیگر، تمرکز ایران بر حوزه‌هایی است که با حجم سرمایه‌گذاری و سطح تکنولوژی و فناوری شرکت‌های ایرانی، همخوانی داشته باشد. از این رو، تمرکز بر حوزه‌هایی مانند سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و جاده‌سازی (با توجه به تجربیات ارزشمند سال‌های اخیر در ایران) می‌تواند از اولویت، برخوردار باشد.

۳. سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی باید به‌سوی نفوذ هرچه بیشتر در منطقه و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ آمریکا جهت‌گیری شود. راهکارهایی که در این زمینه به‌نظر می‌رسد عبارت است از:

الف) با پیوستن به پیمان شانگهای آن را تقویت کرده و مانع از شکل‌گیری ساختارهای جدید به زیان خود شود، زیرا به‌نظر می‌رسد با توجه به شکل‌گیری این پیمان بدون حضور آمریکا، احتمالاً جهت‌گیری آن مستقل‌تر و به منافع کشورهای منطقه نزدیک‌تر باشد.

ب) تلاش کند سازمان اگو را به‌عنوان یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای که در بلندمدت می‌تواند نقش امنیتی را برعهده بگیرد فعال کند. این سازمان در بلندمدت بهترین مکانیسم برای دستیابی به توسعه و ثابت در منطقه آسیای مرکزی و غربی خواهد بود، زیرا هرچند این منطقه از نظر امنیتی و سیاسی واجد مکانیسم‌های مختلف است، اما از نظر اقتصادی هیچ مکانیسم منطقه‌ای مؤثر در منطقه وجود ندارد که بتواند با گره زدن اقتصادهای منطقه به یکدیگر زمینه را برای توسعه همه‌جانبه در این منطقه فراهم آورد.

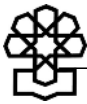
ج) از معاهده منطقه «عاری از سلاح‌های هسته‌ای» که میان جمهوری‌های این منطقه و روسیه منعقد شده به‌شدت حمایت کند و این موضع را در راستای استراتژی دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای معرفی کند.

د) عضویت جمهوری اسلامی ایران در برخی از سازمان‌های منطقه‌ای با حضور کشورهای همجوار در منطقه از جمله سازمان امنیت دسته‌جمعی.

ه) استفاده از ظرفیت‌های برآمده از رقابت‌های ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در این منطقه.

و) ضرورت تقویت روابط در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (از جمله

ضرورت تقویت همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای ایران با کشورهای آسیای مرکزی).



ز) تقویت نفوذ ایران در مناطق پیرامونی و حیات خلوت آمریکا نظیر آمریکای لاتین جهت نمایش توان چالش‌آفرینی ایران در این قبیل مناطق به‌عنوان مابه‌اضای سیاست‌های چالش‌آفرینی آمریکا در آسیای مرکزی برای ایران (به‌عنوان یک ابزار بازدارنده). در مجموع، سیاست ایران می‌باید ایجاد اختلال در پیشبرد اهداف آمریکا در مناطق پیرامونی ایران باشد و در این رابطه، آسیای میانه نیز مستثنا نیست.

در ارزیابی کلی از روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که «سه گفتمان ایدئولوژیک، فرهنگی - تمدنی و ژئوپلیتیک» در سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی از ابتدای شکل‌گیری این منطقه، ظهور کرده‌اند. هر یک از این گفتمان‌ها دارای مرکز ثقل، دقایق و سویه‌های متفاوت است. گفتمان ایدئولوژیک، در چارچوب مذهب تشیع و برپایه ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام شیعی قوام می‌یابد. کانون و هسته مرکزی گفتمان فرهنگی - تمدنی «ایرانی بودن» است که به مفهوم غالب جهان ایرانی در سیاست خارجی معنا می‌بخشید و گفتمان ژئوپلیتیک برپایه اندیشه ژئوپلیتیک، مبتنی بر پیوند وثیق بین منابع و عناصر جغرافیایی شکل می‌گیرد. با وجود این منازعه و ضدیت گفتمانی، گفتمان دیگر به‌صورت پادگفتمان‌های گفتمان ژئوپلیتیک در میدان گفتمانی حضور فعال داشته‌اند. تأثیرگذاری گفتمان‌های ایدئولوژیک و فرهنگی - تمدنی بر سیاست خارجی ایران، حاشیه‌ای و ثانویه است. بنابراین، برخلاف اعتقاد قائلان به دو گفتمان یاد شده، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برپایه الزامات و دلالت‌های سیاست ژئوپلیتیک تنظیم و اجرا شده است.^(۳۲)

نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از گستره حوزه تمدنی ایرانی، از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. وجود اشتراکات و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و دینی بین ایران و آسیای مرکزی و نیز پتانسیل‌های عظیم نفت و گاز، جمعیت زیاد، بازار مناسب برای کالاهای ایرانی به نوعی موجب شده تا زمینه‌های متنوع و گسترده‌ای برای تعمیق و گسترش روابط فیما بین فراهم شود.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران کشوری همسایه با منطقه اوراسیای مرکزی، در تأثیرگذاری در این عرصه با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبرو بوده است. موقعیت ژئوپلیتیک ایران که می‌توانست از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در ایفای نقش بهتر در منطقه به‌کار گرفته شود، به‌طور شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته است. این وضعیت هم از کوتاهی در مدیریت ناهماهنگ داخلی و هم از سوی



محیط بین‌الملل بر ایران تحمیل شده است. در واقع، مقامات کشور در دههٔ آخر قرن بیستم در ارزیابی موقعیت ژئوپلیتیکی ایران دچار نوعی برآورد شعارگونه و آرمانی شده بودند.

از سوی دیگر، روسیه به‌عنوان قدرت اصلی در منطقه اوراسیا و ترکیه همسایه بلافاصله منطقه، از بازیگرانی هستند که فرصت‌های ایران برای ایفاگری نقش را از او گرفته‌اند. از طرفی به‌علت ساختار حکومتی، ایران با موانعی روبرو است که دو بازیگر یاد شده با آن روبرو نیستند. به همین سبب ایران به کشوری ویژه در منطقه تبدیل شده است که در نهایت نه متحد ایدئولوژیک و نه متحد استراتژیک دارد. همچنین، اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی مداخله‌جویانه آمریکا علیه ایران و سیاست «همه چیز بدون ایران»، از دیگر موانع ایفای نقش ایران در منطقه به‌شمار می‌رود. این شرایط موجب کاهش نقش ایران برای به‌کارگیری موقعیت ژئوپلیتیکی خود شده است. با وجود زیرساخت‌های مهم حمل‌ونقلی، ایران نتوانسته است از موقعیت ترانزیتی برتری که در منطقه دارد بهره‌گیرد. به‌رغم برخورداری ایران از سواحل نسبتاً مناسب در خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال، هنوز در کشور تفکر و اندیشه خشکی بودن حاکمیت دارد که سبب کاهش اهمیت ژئوپلیتیکی و اثرگذاری مثبت آن بر محیط پیرامون می‌شود. به همین علت ایران نتوانسته است از سیاست دریایی خود در دو منطقه به‌ویژه در شمال که در ارتباط مستقیم با منطقه اوراسیاست، بهره‌گیرد. از دست دادن فرصت‌های مذکور، موجب افزایش نقش دیگر بازیگران نظیر روسیه، ترکیه، چین، آمریکا و اروپا شده است. چالش‌های ایران برای بازیابی نقش بایسته در منطقه، نیاز به بازنگری در سیاست داخلی و خارجی و همسویی با قواعد بین‌المللی و ادغام در ساختار اقتصاد جهانی دارد.

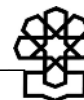
به‌طور کلی، «در طول سال‌های اخیر، سیاست ایران در اوراسیای مرکزی، متأثر از شرایط پس از جنگ و محدودیت‌های بین‌المللی باقی مانده است. ایران در این سال‌ها به سبب نیاز به فناوری نظامی و غیرنظامی و رأی روسیه در نهادهای بین‌المللی، از هر اقدامی که وضع موجود را به چالش بطلبد، خودداری کرده است. از این‌رو، نه در نقش مرکز تمدن اسلامی و یا انقلاب اسلامی و نه در نقش محور حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی عمل کرده است. در مجموع می‌توان سیاست ایران را در منطقه، بیشتر تدافعی (جلوگیری از ناامنی و تهدید احتمالی)، محتاطانه، حفظ وضع موجود و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه دانست و ابتکار عمل کمتری را می‌توان در آن مشاهده کرد. بنابراین در حوزه سیاسی، ضرورت بازنگری کلی، اما تدریجی و ارائه تعریفی روشن و دقیق در سیاست خارجی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی با توجه به واقعیت‌های امروز کشورمان، منطقه و محیط بین‌المللی، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. از سوی دیگر ایران با اتخاذ یک دیپلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های منطقه آسیای مرکزی منجر شود و



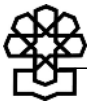
در قبال آن، ایران می‌تواند در میان انبوهی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، سهم مناسبی از ظرفیت‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی منطقه آسیای مرکزی را در اختیار بگیرد و در راستای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی، گسترش و تعمیق روابط میان طرفین و رسیدن به جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری طبق سند چشم‌انداز بیست‌ساله تا سال ۱۴۰۴ گام بردارد. علاوه بر این تنها حوزه‌هایی که ایران می‌تواند آن را برای ایجاد یک زیرسیستم منطقه‌ای به رهبری خود انتخاب کند، آسیای مرکزی است. نفوذ فرهنگی ایران و توان اقتصادی آن پشتوانه چنین رویکردی است، اما این کار، ایران را با چهار قدرت روسیه، آمریکا، چین و ترکیه به رقابت می‌کشاند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مهرداد محسنین. روابط ایران با آسیای مرکزی و قفقاز، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۹.
۲. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
 - بهرام امیراحمدیان. امنیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی آسیای مرکزی، همایش آسیای مرکزی: نگاهی به گذشته، حال و آینده، دانشگاه تهران، ۱۶ و ۱۷ اسفندماه ۱۳۸۴.
 - Pirouz Mojtahedzadeh, "The Caspian Between Conflict and Cooperation", in Eurasia: A New Peace Agenda, The United States Elsevier, 2005, p 181.
 - 3. UZBE Kistan's new foreign Policy Strategx, November 2009, <http://www.eurasia.net.org>
 - 4. The Europe, World Year Book, 2002.
۵. فیروزه جانی. خبرگزاری فرغانه‌رو، ۲۰۰۹/۴/۳.
۶. پروین معظمی گودرزی. قرقیزستان، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷، ص ۲۰.
۷. مرتضی دامن‌پاک. گزارش‌های دریافتی از سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای مرکزی و پرونده‌های موجود در وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
8. Shirin Akiner. Tajikistan Disintegration Or Reconciliation London, The Royalinsitute Of International Affairs, 2001, p. 59.
۹. اسدالله اظهري. تاجیکستان، نوسازی و دگرگونی سیاسی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵.
۱۰. سیدرسول موسوی. نقش ایران در پیشبرد مذاکرات صلح تاجیکستان، مجله آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۱، ص ۹.
۱۱. گزارش توجیهی و آخرین وضعیت روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان، مهرماه ۱۳۸۴، ص ۸ و ۹.
۱۲. اقتصاد قزاقستان در یک نگاه، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۸۰.
13. http://strategicreview.blogspot.com/2009/04/blog-post_6829.html
14. <http://www.farsnews.com/newstext>
15. Boris o. shi khmuradov, positive Neutrality as the Basis of the Foreign policy of Turkmenistan.
۱۶. ولی کوزه‌گر کالجی. چالش‌ها و فرصت‌های ایران در آسیای مرکزی، گزارش سال هفدهم، ش ۱۹۰، شهریورماه ۱۳۸۶.



۱۷. هادی اعظمی. تأثیر عوامل ژئوپلیتیک بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ششم، ش ۶۳، مردادماه ۱۳۸۷، ص ۱۳.
18. Quoted in: Robert o. Freediman, *Israel and Central Asia, A Preliminary Analysis*, Central Asia Monitor, 1933, P17.
۱۹. محمد حسن‌خانی. نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا در کشورهای منطقه اوراسیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۹، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۲۷-۱۲۸.
۲۰. مرتضی علویان، ولی کوزه‌گر کالجی. پیشین.
۲۱. برای آگاهی بیشتر از جریان‌های اسلامی در آسیای مرکزی نگاه کنید به:
- الهه کولایی. زمینه‌های بنیادگرایی در آسیای مرکزی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۶۷، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۰۱-۲۲۴.
- سیدرسول موسوی. حرکت اسلامی در آسیای مرکزی، فرهنگ اندیشه، سال سوم، ش ۹، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۰۴-۱۳۵.
- Ghoncheh Tazmini, "The Islamic Revival in Central Asia: A Potent Force or Misconception?", *Central Asian Survey*, No 1. 2001, pp.61-83.
۲۲. مرتضی علویان و ولی کوزه‌گر کالجی. پیشین، ص ۸۲.
۲۳. محمد واعظی. کتاب ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۶، ص ۴۰-۴۲.
۲۴. سیدرسول موسوی. معادلات دگرگون، ضمیمه همشهری دیپلماتیک، ش ۷۲، ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۸۴، ص ۴ و ۵.
۲۵. نبلی سنبلی، «ایران و محیط امنیتی سیاسی آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.
۲۶. عباس ملکی. آیا دریای خزر همچنان برای همه بازیگران مهم است؟، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۵۶.
27. Robert M. "Turk Menistan-china gas pipeline becomes a Reality, 2/3/2010, <http://www.center Asia.org>
۲۸. مرتضی علویان و ولی کوزه‌گر کالجی. پیشین، ص ۸۲.
۲۹. محمدرحیم رهنما. نقش میراث فرهنگی - ایرانی اسلامی آسیای میانه در تقویت همگرایی حوزه تمدنی منطقه، برگرفته از چکیده مقاله‌های ارائه شده در همایش آسیای مرکزی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه فردوسی مشهد، آذرماه ۱۳۸۵.
۳۰. سیدحسن سیف‌زاده. آسیای مرکزی: همگرایی منطقه‌ای، توسعه ملی و نقش ایران در آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۴۰، ۱۳۷۷، ص ۳۶-۱۳۵.
۳۱. بهاره سازمند. نقش جمهوری اسلامی ایران در فرصت‌ها و چالش‌های هویتی منطقه آسیای مرکزی، برگرفته از چکیده مقاله‌های ارائه شده در همایش آسیای مرکزی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، آذرماه ۱۳۸۵.
۳۲. سیدجلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی. بررسی گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات ایران، ش ۲، زمستان ۱۳۸۵.



منابع و مأخذ

۱. محسنین، مهرداد. روابط ایران با آسیای مرکزی و قفقاز، مجله سیاست خارجی، سال نهم، ش ۱، ۱۳۷۴.
۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌ا... و محمدرضا مجیدی. منافع ملی آمریکا در آسیای مرکزی در رقابت با روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۹، تهران، ۱۳۷۹.
۳. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌ا... و محمدرضا مجیدی. سیاست و حکومت در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۲.
۴. صفری، مهدی. ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران. تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۵. کازرونی، صنم. آسیای مرکزی آینده مبهم، تهران، نشر گزینش، ۱۳۷۶.
۶. گلشن‌پژوه، محمدرضا. گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار ایران، ۱۳۸۲.
۷. مجتهدزاده، پیروز. جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۹-۱۲۰، ۱۳۷۶.
۸. سازمان گمرک جمهوری اسلامی ایران.
۹. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۱۰. موسوی، سیدرسول. ظرفیت‌های اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، انتشارات مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۳.
۱۱. سفر به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش اول، ۱۳۷۳.
۱۲. آشنایی با جمهوری تاجیکستان، مجله رایزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان، دوشنبه شهریورماه ۱۳۸۲.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین. «بررسی گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات ایران، ش ۲، زمستان ۱۳۸۵.
۱۴. کرمی، جهانگیر. «ایران و اوراسیای مرکزی: آشفتگی نقش و عملکرد»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، سال اول، ش ۱، زمستان و بهار ۱۳۸۶-۱۳۸۷.
15. Bohr, Annette, "Regionalism in Central Asia: New Geopolitics, Old Regional Order", International Affairs, 2004.
16. Eastern Europe, Russia and Central Asia, London: Europa Publications, 2002.
17. Esposito, John and R.K Ramazani, Iran at the Crossroads, New York: Palgrave, 2001.
18. Hafeznia, Mohammadreza, "Strategic Role of the Caucasus-Central Asia in Global Competition", Amu Darya, 2003.
19. Herzig, Edmund, "Regionalism, Iran and Central Asia", International Affairs, 2004.
20. Khazakhstan in www.eia.doe.gov/emeu/cabs/turkmen, 2005.
21. The Europa World Year Book, 2002.
22. Turkmenistan in www.eia.doe.gov/emeu/cabs/turkmen, 2005.
23. Feruzagani, Relations between Iran and Central Asia (Synopsis), 13/4/2009.
24. Erika Weinthal, Department of Political Science, "Central Asia: Aral Sea Problem, Interhemispheric Resource Center and Institute for Policy Studies, Vol 5, No 6. March 2000. <http://www.fpiif.org>.
25. Artak Grigoryang Priority Directions in the Foreign Policy of Israel, South CAUCASUS and Central Asia, 05/06/2009. <http://www.noravank.am/en/>
26. <http://www.moderns.mal.skutivackling.se/dari-pashto16h.a%20malad/tajek%20afghan%26idex.index.htm>



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۶۰۹

عنوان گزارش: استراتژی همگرایی با همسایگان؛ ۱. آسیای مرکزی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: وجیهه مهری پرگو

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۱/۳